

## زنده باد هشت مارس روز جهانی زن!

علیه تبعیض، حجاب، تحقیر، خشونت و بردگی جنسی

**بیپاخیزیم!**



زنده باد ۸ مارس، روز جهانی زن

گسترده تر باد مبارزه علیه حجاب و تبعیض و زن ستیزی! گرامی باد چهل سال نبرد شورانگیز زنان علیه جمهوری اسلامی!

صفحه ۱۰

### کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۲

### یادداشت های سیاسی

حمید تقوایی

\* گسترش مارکس خوانی و سوسیالیسم هزاره سوم

\* ازدواج سفید و حکومت سیاه

\* مینا احدی و کمونیسم "جدید" در آلمان

صفحه ۵

### ائتلافی برای "آزادی و برابری" یا خون پاشیدن به تحولات آتی در ایران

علی جوادی

صفحه ۶

### پرده برداری از پروژه ققنوس

حسن صالحی

صفحه ۹

### اطلاعیه ها در صفحات ۹ تا ۱۷

#### لیست کمک مالی به حزب

(لیست شماره ۱)

#### حزب کمونیست کارگری به

کمک مالی شما نیازمند است

اصغر کریمی

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۵۰ هزار یورو، کمک های زیر در هفته اول جمع آوری شده است. صمیمانه از همه دوستانی که کمک کرده اند قدردانی میکنیم و امیدواریم کلیه اعضا و دوستداران حزب و همه آنها که قلبشان برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و برای یک دنیای بهتر میطپد حزب را در تامین

صفحه ۹

حزب کمونیست کارگری را باید در همه زمینه ها تقویت کرد. این حزب نیاز مبرم جامعه برای تحکیم و تقویت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آینده ای روشن است. جامعه در آستانه تحولاتی مهم و تاریخی قرار دارد. فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، زنان و دانشجویان مشغول تلاش

صفحه ۹

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۰۵

جمعه ۱۰ اسفند ۱۳۹۷، ۱ مارس ۲۰۱۹

فراخوان به کارگران نیشکر هفت تپه و مردم هفت تپه و شوش فراخوان به همه کارگران و مردم آزاده اسماعیل بخشی را باید از زندان بیرون بیاوریم



اسماعیل بخشی رهبر کارگران نیشکر هفت تپه که به چهره محبوبی در هفت تپه و شوش و سراسر کشور تبدیل شد، همچنان در زندان است و زیر انواع فشارها قرار دارد. نباید بیش از این اجازه دهیم کسی که برای تحقق خواست های کارگران تلاش فوق العاده ای انجام داده، نقش مهمی در موفقیت های کارگران داشته و با به مصاف طلبیدن وزیر اطلاعات درمورد شکنجه های درون زندان، جنبش دادخواهی را قدم مهمی به جلو برد، همچنان اسیر بازجویان وزارت اطلاعات باشد. باید با قدرت اعتراضات و اعتصابات خود، او را از

زندان بیرون بیاوریم. در روزهای گذشته خانواده بخشی و دوستانش تجمعاتی برای آزادی او برپا کرده اند. این اعتراض باید هرچه بیشتر گسترده شود تا حکومت برای آزادی او تحت فشار قرار گیرد و مجبور به آزادی او شود. مبارزه برای آزادی اسماعیل بخشی و سایر کارگران و فعالین زندانی

صفحه ۴

#### انجمن مارکس کانادا برگزار می کند:

#### کمونیسم چگونه در ایران پیروز میشود؟

ارائه دهنده: حمید تقوایی



- موضوعات مورد بحث در این سمینار:
- جنبشهای طبقاتی، جنبشهای اعتراضی و جنبش سرنگونی رژیمهای شاهنشاهی در سطح عمومی و در ابعاد سیاسی مشخص ایران
- دولتها و بلوک بندیهای بورژوازی جهانی و تحولات انقلابی در ایران
- افق و اکثریت و راست و چپ در جامعه
- خصالت همگانی و سلبی جنبش سرنگونی و دیپلماسی شکستگرای انقلاب
- پیش شرطهای پیشروی و پیروزی انقلاب سوسیالیستی

شنبه ۲ مارس ۲۰۱۹ از ساعت ۲:۲۰ تا ۵:۲۰ بعد از ظهر مکان: اتاق شماره ۲ تورت پورک سیویک سنتر، تورنتو

## حداقل دستمزد ۷ میلیون تومان

در حالی که کمیته مزد رژیم مشغول رایزنی هایش بر سر نرخ فروش نیروی کار کارگران برای سال آتی و تعیین میزان حداقل دستمزدهاست. کارگران با بیانیه های اعتراضی شان، کل این بساط توحش و بردگی را به چالش کشیده و صف اعتراضشان را شکل میدهند. یک اعتراض پایه ای کارگران در بیانیه ها و گفتمان هایشان رقم زدن دستمزد بر اساس "خط فقر" و "خط بقاء" و تباهی هر روز بیشتر زندگی و معیشتشان در چنگال فقر و گرسنگی است. و این اعتراضی است که با شعار "حکومت سرمایه دار مفتخور نمیخوایم، نمیخوایم"، از سوی بازنشستگان در مقابل مجلس فریاد زده شد. کارگران در بیانیه هایشان از حق رفاه خانوار کارگری و حق داشتن یک زندگی انسانی سخن میگویند. در این هفته اتحادیه آزاد کارگران ایران در رابطه با تعیین حداقل یانیه داد. این بیانیه در پنجم اسفند انتشار یافت و در آن بر ۹۸ درخواست افزایش دستمزدها حداقل به بیست و هفت میلیون تومان تاکید کرده است. در بخشی از این اطلاعیه چنین آمده است: "کارشناسان دولتی و شورای عالی کار وابسته به حکومت، سبب معیشت را نه رفاه خانواده کارگری بلکه زندگی «بخورونمیرشان» در نظر می گیرند! با پایین اعلام کردن نرخ تورم این سبب را به پایین تر از حداقل ها تقلیل داده و دستمزد را رقمی نزدیک به خط بقا تصویب می کنند! این کارشناسان برای توجیه افزایش حداقل دستمزد تا حد خط فقر، افزایش آن را عامل بالا رفتن تورم و گرانی

## کارگران در هفته ای که گذشت



شهلا دانشفر

ها اعلام می کنند! معنی عملی همه این فریب کاری ها در زندگی ما کارگران یعنی به تصویب رساندن دستمزد ۱.۱۱۱.۰۰۰ تومان در مقابل خط فقر ۵.۰۰۰.۰۰۰ تومانی سال ۱۹۷!"

در ادامه این بیانیه ضمن اشاره به سیاست های حکومتگران طی چهل سال از جمله تحمیل حداقل دستمزد های چند بار زیر خط فقر، ممنوع شمردن ایجاد تشکلهای کارگری و امنیتی قلمداد کردن مبارزات کارگران چنین آمده است: "اما باید بدانند ما کارگران که با شجاعت و قدرت در هیپکو، هفت تپه و فولاد و... توانستیم اعتصاب و اعتراضات شکوهمند خود را از کارخانه ها به کف خیابان بیاوریم و بیش از یک ماه نیروی قدرتمند اجتماعی خود را به نمایش گذاشته و با فریاد و شعارهای رسای خود کل مافیای ثروت و قدرت را به چالش کشیدیم هرگز اجازه نخواهیم داد تا با سرکوب اعتراضات کارگری، ضرب و شتم و بگیر و ببند رهبران کارگری، دستمزد، کار و زندگی مان با تعرض وحشیانه سرمایه داران نابود شود و بی شک در این شرایط تحمل ناپذیر، جامعه به سرعت به تغییرات زیر رو کننده ای روی خواهد آورد."

همانطور که در نوشته

دیگر نیز اشاره کردم در اول اسفند ماه نیز بیانیه ای امضای سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و گروه اتحاد بازنشستگان منتشر شده است. در بخش پایانی این بیانیه چنین آمده است: "ما از همه کارگران و فعالان کارگری و همه سازمان های مدافع حقوق کارگران می خواهیم تا از حداقل دستمزد به میزان ۷ میلیون تومان در ماه برای سال ۱۳۹۸ پشتیبانی کنند و با روشنگری و کار توضیحی برای مردم حقانیت این خواست را به پیش برند. طرح این خواست و مبارزه برای پیشبرد آن به روش های مختلف از نظر اقتصادی و معیشتی و مقابله با فقر سیاه تحمیل شده بر کارگران حائز اهمیت بسیار است. برای کارگران در مقابل شرایط خوارکننده موجود، تلاشی مصممانه برای دستیابی به حقوق خود به لحاظ اجتماعی و انسانی نیز دارای ضرورت و اهمیت درجه اول است." قبل از آن نیز در بیست و هشتم بهمن ماه انجمن برق و فلز کرمانشاه نیز بیانیه داده و بر خواست افزایش حداقل دستمزدها به بیش از میزان خط فقر تاکید کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "در حالی که طبق آمارهایی که توسط مراکز معتبر بین المللی نرخ تورم در آبان ماه گذشته ۲۸۶ درصد برآورد شده و علاوه بر آن، چند ماه پیش باندهای رقیب تقصیر تورم چند برابری نسبت به سال گذشته را بر

کردن یکدیگر انداختند و همین حالا هم عوامل دولت در خانه کارگر و شورای اسلامی کار اذعان به تورم ۷۰ الی ۸۰ درصدی دارند، اما در این هنگامه نزدیک شدن به پایان سال که باید میزان حداقل دستمزد تعیین گردد، رو در روی کل جامعه و کارگران بازار دروغگویی را گرم کرده اند تا به کارگران بقبولانند که تورم اندکی بیشتر از ۲۰ درصد است و زمینه را برای همین میزان افزایش فراهم کنند. ما کارگران ده ها سال است که با ریاکاری و دروغگویی جناح ها و باندهای قدرت و ژست ها و قیافه های فریبکارانه پادوان درباری که مجوز کسب عناوین نمایندگی کارگری و کارشناس اقتصادی طبقه کارگر را از دولت ها گرفته اند، آشنا هستیم و این عوامل را هم جزئی از بدنه دولت و کل سیستم مدافع کارفرمایان و سرمایه داران می دانیم." در انتهای این بیانیه با اخطار به همه بخشها، باندها و جناحهای سهیم در تحمیل شرایط زیست ۶ برابر زیر خط فقر بر کارگران و مسببان گرانی ها چنین آمده است: "اما امسال همه بخشها، باندها و جناحهای سهیم در تحمیل شرایط زیست به اعتراف خودشان ۶ برابر زیر خط فقر بر کارگران و همچنین مسببان گرانی و از دسترس خارج شدن نیازمندیهای زندگی ۸۰ میلیون انسان باید بدانند در سال آینده با اعتراضات، اعتصابات و تظاهرات های خیابانی کارگران با خواست محوری حداقل حقوق ۶ میلیون تومان علیه فقر، گرانی، بیکاری و دزدی و چپاول و فساد سازمان یافته همراه با حمایت های توده ای قدرتمندتری روبرو خواهند

شد و آن وقت است که جواب درخور این نمایشات فریبکارانه و معرکه گیریهایی که سالهاست در نیمه دوم هر سال به پا می کنند، را خواهند گرفت." محورهای مشترکی بیانیه های کارگران و مبارزه علیه دستمزدهای زیر خط فقر و برای داشتن یک زندگی انسانی را به هم وصل میکند. اولین محور آن اینست که کارگران در برابر بساط مسخره شوراعالی کار و تعیین حداقل دستمزد کارگران از بالای سر آنان ایستاده اند و به این بردگی تن نمیدهند. کارگران خود با اعلام رقم به میدان آمده و اولتیماتومشان گسترش اعتراضات بر سر زندگی و معیشت است.

محور دوم این بیانیه ها تاکید بر خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر است. اعلام این خواست، اعلام اعتراض به فقر و گرانی و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خرید کارگران است. کارگران با اعلام این خواست در عین حال اعتراض خود را به حقوق های نجومی و بساط دزدسالار حاکم اعلام میکنند. از جمله شعار "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی" امروز به یک شعار اعتراضی در کف خیابان تبدیل شده است.

یک محور دیگر بیانیه های کارگران در رابطه با تعیین میزان حداقل دستمزدها، پاسخ دادن به تبلیغات بی پایه و اساس حکومتیان برای تحمیل دستمزدهای بازم چند بار زیر خط فقر است. از جمله در بخشی از اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران چنین آمده است: "کارشناسان دولتی و شورای عالی کار وابسته به حکومت، سبب

از صفحه ۲

## کارگران در هفته ای که گذشت

معیشت را نه رفاه خانواده کارگری  
زندگی «بخورونمیرشان» در نظر می گیرند! با پایین اعلام کردن نرخ تورم این سید را به پایین تر از حداقل ها تقلیل داده و دستمزد را رقمی نزدیک به خط بقا تصویب می کنند! این کارشناسان برای توجیه افزایش حداقل دستمزد تا حد خط فقر، افزایش آن را عامل بالا رفتن تورم و گرانی ها اعلام می کنند! معنی عملی همه این فریب کاری ها در زندگی ما کارگران یعنی به تصویب رساندن دستمزد ۱۱۱۱۰۰۰۰ تومان در مقابل خط فقر ۵۰۰۰۰۰۰۰ تومانی سال ۱۹۷۰! در همین رابطه در بخشی از بیانیه انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه چنین آمده است: "اکنون خانه کارگری ها با ژست مدافع کارگر گرفتن تاکید بر افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی در برابر افزایش میانگین ۲۰ درصدی مورد رضایت دولت و کارفرمایان که مطمئناً از قبل هر سه طرف در شورای عالی کار بر سر میزان کمتر از همین میانگین ۲۰ درصدی به توافق رسیده اند، در صدد به سکوت کشاندن کارگران در برابر اقدام ضد معیشتی آنان هستند. اقدامی که هر ساله از سوی کارگران مورد اعتراض قرار گرفته و فقط رسوایی برای کل سیستمی که تمام عیار کمر به تحمیل شدیدترین میزان ممکن فقر و فلاکت بر کارگران بسته، به دنبال آورده است." گفتنی است که یک خواست معلمان شاغل و بازنشسته نیز امروز خواست افزایش حقوق به بالای خط فقر است و بارها این خواست را با شعار خط فقر ۶ میلیون،

حقوق ما دو میلیون اعلام کرده اند. هم اکنون نیز یک بند فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران که در آن به تحصنی سه روزه در روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند است، افزایش حقوق معلمان شاغل و بازنشسته و ارتقای آن به بالاتر از حد خط فقر است. در عین حال تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان برای همه و ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن سه مطالبه اساسی است که بارها و بارها از سوی معلمان و بازنشستگان فریاد زده شده است. معلمان پیشتاز خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان بوده اند. تاکید بر این خواست به عنوان جزء مکمل دستمزد و تامین یک زندگی انسانی حیاتی است. واقعیت اینست که امروز در ابعادی اجتماعی کارگران و بخش های مختلف جامعه در تدارک اعتراضاتی گسترده برای خواست افزایش دستمزدها به بالای خط فقر هستند و این بطور واقعی جنبش ۹۹ درصدی های جامعه علیه فقر، تبعیض، نابرابری و کل بساط چپاولگری سرمایه داری حاکم است. خصوصاً اکنون که در مقطع تعیین میزان حداقل دستمزد کارگران برای سال آتی هستیم، جنبش برای خواست افزایش دستمزدها و علیه فقر و بی تاملی با بیان روشنتر و شفافتری دارد خود را بیان میکند. ایجاد شوراهای کارگری در کارخانجات مختلف بستر مهمی برای قد علم کردن سازمان یافته این جنبش در سطحی سراسری است. فراخوان من به همه کارگران در کارخانجات

مختلف و به همه بخش های حقوق بگیر جامعه اینست که بطور عملی وارد این کارزار شوند. با بیانیه هایشان همبستگی خود را با بیانیه های تشکلهای کارگران بر سر دستمزدها اعلام کنند. همچنین هر جا که تجمع و اعتراضی دارند، بر خواست افزایش دستمزدها به بالای خط فقر ۷ میلیونی تاکید بگذارند. معیشت، منزلت، حق مسلم ماست.

## کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات، حلقه اتصال جنبش های اجتماعی

۴۰ سال است که جمهوری اسلامی اعتراضات مردم بخاطر دفاع از زندگی و معیشت و کرامت انسانی شان را تحت عناوین "اخلال در نظم و امنیت ملی"، "تبلیغ علیه نظام"، "نشر اکاذیب"، "محاربه با خدا" مورد تعرض و سرکوب قرار داده است. معنای واقعی این اتهامات همانطور که کارگران، معلمان و مردم معترض در کارزارهای مبارزاتی شان اعلام کرده اند، چیزی جز دفاع از بساط سرمایه داری چپاولگر حاکم نیست. با این اتهامات کارگری را که ماهها دستمزد نگرفته و حقش را طلب میکند، زندان و شکنجه میکنند. با این اتهامات کارگر را به جرم شرکت و برپایی گرامیداشت روز جهانی کارگر بازداشت و زندانی میکنند. با این اتهامات تلاش کارگران برای برپایی حق تشکشان با زندان و دستگیری پاسخ میگیرد و با این اتهامات اعتراضات بخش های مختلف مردم سرکوب و تحت پیگیری قرار میگیرد. و این داستان ۴۰ سال حاکمیت رژیم اسلامی برگرد کارگران

و کل جامعه است. از جمله هم اکنون اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران با همین نوع اتهامات در زندان است و بعد از اعلام کیفرخواستش علیه شکنجه و زندان سه فقره دیگر از همین دست اتهامات بر پرونده او اضافه شده است و گزارشات حاکی از وضعیت نگران کننده او در زندان است. سپیده قلیان نیز که در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شد، با همین نوع اتهامات روبروست و بگذریم که بعنوان یک زن، شکستن دیوارهای آپارتاید جنسی و لباس رنگی پوشیدن و رنگ کردن موهایش نیز از جرائم سنگین دیگر او به شمار می رود. با همین نوع اتهامات جعفر عظیم زاده و پروین محمدی و بهنام ابراهیم زاده، سه تن از چهره های سرشناس کارگری و معلمانی چون اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، محمد حبیبی، روح الله مردانی و محمد علی زحمتکش در زندانند و با همین نوع اتهامات کسانی چون آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام و شمار بسیاری از زندانیان سیاسی دیگر در زندانند. کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات، کارزاری علیه کل بساط توحش حکومت اسلامی سرمایه داری حاکم و دستگاه سرکوب و زندانش است. این کارزار همچنین به معنی دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع و حق داشتن وسیعترین آزادی ها در سطح جامعه است. باید وسیعاً به این کارزار پیوست. این کارزاری است که قدرتمند در جامعه به جلو می رود. پیوستن به این کارزار و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، یک حلقه کلیدی در پیشروی مبارزات ما مردم

است. جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی در آستانه اول ماه مه سال ۹۵ با انتشار نامه ای از درون زندان این کارزار را اعلام کردند و در این کارزار دو صف کارگران و معلمان کنار هم قرار گرفتند. امروز این کارزار به حلقه اتصال جنبش های مختلف اجتماعی تبدیل شده است. از جمله یک موضوع مهم اعتراضات معلمان اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات است و خواست فوری آنها آزادی فوری معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی است. این را معلمان و بازنشستگان بارها در تجمعاتشان با شعار های کوبنده خود فریاد زده اند. هم اکنون نیز دو بند اول بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان برای تحصن روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند ماه آزادی فعالان صنفی فرهنگی و بسته شدن همه پرونده ها در این زمینه و رفع تمام موانع "قانونی" برای فعالیت رسمی و آزاد تشکلهای صنفی آنان در سراسر کشور است. کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه شکنجه و زندان، دفاع جانانه سپیده قلیان از این کیفرخواست، گام مهمی در مبارزه علیه بساط سرکوبگری های حکومت و جلو بردن کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات است. این اعتراض اکنون به جنبشی اجتماعی تبدیل شده است، با حمایت از شکایت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و با خواست آزادی فوری آنان از زندان وسیعاً به این جنبش پیوندیم. گزارشات حاکی از وضعیت نگرانی کننده آنها در زندان است. جمهوری اسلامی حتی برای برکناری فرزانه زیلایی از وکالت اسماعیل بخشی فشار آورده است. به در صفحه ۴

از صفحه ۳

## کارگران در هفته ای که گذشت

تجمعات اعتراضی ای که از سوی خانواده بخشی و تعدادی از کارگران هفت تپه در مقابل دادگستری شوش به پا میشود بیونندیم. اسماعیل بخشی امروز به صدای آزادیخواهی، برابری طلبی و آلترناتیو شورایی در میان کارگران و مردم تبدیل شده است، برای آزادی او و سپیده قلیان از زندان وسیعا به میدان بیاییم.

یک خواست مهم کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات لغو احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی است، با تاکید بر روی این خواست خواستار آزادی جعفر عظیم زاده، پروین محمدی، بهنام ابراهیم زاده، معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

### دو فراخون مهم

فراخون به تحصن سه روزه معلمان در سراسر کشور برای روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ اسفند و فراخون به تجمع معلمان شاغل در ۴ استان برای روز ۱۶ اسفند دو اتفاق مهمی است که در پیش است. "شورای هماهنگی تشکلهای ضد فنی فرهنگیان ایران" برای پیگیری خواستهای معلمان طی بیانیه ای این فراخون را داده است. به رسمیت شناخته شدن حق تشکل، تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان، افزایش فوری حقوقها به بالای حد خط فقر، لغو طرح برده وار معلم تمام وقت، پرداخت مطالبات معلمان حق تدریسی و استخدام رسمی آنان، ایمن سازی مدارس، لغو

اصفهان تجمع کردند. یک شعار برجسته این اعتراضات علیه سرکوبگری های حکومت بوده است و بازنشستگان در تجمعاتشان با شعارهایی چون "شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد"، "توپ، تانک، مستند، دیگر اثر ندارد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی، معلم زندانی آزاد باید گردد" اعتراض خود را به بساط زندان و شکنجه اعلام کردند. همچنین معلمان بازنشسته و شاغل در تجمعات روزهای پنج و هفتم اسفند ماه بازنشستگان برای پیگیری خواستهایشان در مقابل مجلس حضور فعالی داشتند.

معلمان در اعتراضات قبلی خود با برپایی اعتصابات سراسری شان در مقابل کل جامعه راه نشان دادند. معلمان همچنین نقش ارزنده ای در شفافیت دادن به خواستهای سراسری جامعه از جمله تحصیل رایگان برای همه کودکان داشته اند. خواستهای معلمان، خواستهای کارگران و کل جامعه است. مبارزات معلمان شایسته وسیعترین حمایت هاست. بویژه بیش از پیش از خانواده های دانش آموزان و دانش آموزان دبیرستان ها و دانشجویان انتظار میرود که به اشکال مختلف و با تهیه کلیپ هایی در حمایت از این مبارزات و اطلاع رسانی وسیع جبهه قدرتمندی از همبستگی از مبارزات معلمان را شکل دهند. زنده باد معلمان\*

خصوصی سازها و کالایی شدن آموزش و همسان سازی حقوقها و اختصاص بودجه لازم برای اجرایی شدن این مطالبات از جمله خواستهای مهم آنان است که بارها در تجمعات اعتراضی شان بر آنها تاکید شده است. بند اول بیانیه شورای هماهنگی به آزادی معلمان زندانی اختصاص دارد. در حال حاضر اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی، روح الله مردانی و محمد علی زحمتکش از جمله معلمان زندانی هستند. ضمن اینکه شماری از معلمان در شهرهای مختلف به خاطر اعتراضاتشان بارها دستگیر شده و برای آنها پرونده های قضایی تشکیل شده است. معلمان خواستار آزادی تمامی معلمان زندانی و لغو پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان و کلیه فعالین اجتماعی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات هستند.

بعلاوه معلمان شاغل و بازنشسته در ۴ استان آذربایجانغربی، اصفهان، خراسان و کرمانشاه برای روز ۱۶ اسفند در اعتراض به بدتر شدن وضعیت معیشتی و افسارگسیختگی تورم در سطح جامعه به تجمع در مقابل وزارت آموزش و پرورش فراخون داده اند. قبل از آن نیز معلمان شاغل همراه با معلمان بازنشسته در ۲۵ بهمن در شهرهای ارومیه، اردبیل، شیراز، مشهد، میوان، کرمانشاه و سنندج تجمع داشتند. در هجدهم بهمن نیز معلمان بازنشسته و شاغل در

از صفحه ۱

## اسماعیل بخشی را باید از زندان بیرون بیاوریم

وظیفه همه مردم آزاده در سراسر کشور است. معلمان و بازنشستگان میتوانند در بیانیه ها و تجمعات خود خواهان آزادی اسماعیل بخشی شوند. دانشجویان میتوانند برای آزادی اسماعیل بخشی دست به تجمع و اعتراض بزنند. تشکل های کارگری و کارگران مراکز مختلف میتوانند با بیانیه ها و به هر شکل دیگری که میتوانند خود را در مبارزه برای آزادی اسماعیل بخشی شریک کنند. فعالین مدیای اجتماعی میتوانند دفاع از اسماعیل بخشی را بار دیگر به گفتمانی فراگیر تبدیل کنند. میتوانیم جنبش دفاع از اسماعیل بخشی را در همه جا دامن بزنیم و حکومت را زیر فشار

حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۸ اسفند ۱۳۹۷،  
۲۷ فوریه ۲۰۱۹

## گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!



### برنامه شامل:

- کلیپ کوتاهی از مبارزات زنان
- سخنرانی: شیوا محبوبی
- موزیک زنده: از گروه هنری لاروان با مسئولیت فریبرز کریمی
- سپس DJ مرهان به همراه عزیزان شرکت کننده برنامه را تا پاسی از شب، ازلمه فواهر دار.

### یوتبوری (سوئد)

شنبه - ۹ مارس ۲۰۱۹، از ساعت ۷ عصر

محل: Folkets Hus Hammarkullen

یا اسپورهای ۴، ۸ و ۹ بطرف Angered

غذا و نوشیدنی در محل موجود است.

ورودی ۵۰ کرون

ورودی برای پناهجویان رایگان است.

روز و ساعت این برنامه را بخاطر بسیاری دوستانتان را نیز

به این برنامه دعوت کنید.

تلفن تماس: عبدالله اسدی 0737178819 (0) 46

حزب کمونیست کارگری ایران، تشکیلات کونتبرک

# نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

## یادداشت های سیاسی

حمید تقوایی



### گسترش مارکس خوانی و سوسیالیسم هزاره سوم

گزارش نیویورک تایمز در مورد روی آوری رو بافزایش جوانان لندنی به مطالعه آثار مارکس و سرمقاله هفته نامه اکونومیست در مورد سر بلند کردن "سوسیالیسم هزاره" که آنهم در مورد گسترش گرایش سوسیالیستی در میان جوانان زاده شده در قرن بیست و یکم است، تنها دو نمونه متاخر از چرخش به چپ در فضای سیاسی غرب است. چرخشی که حتی در سطح احزاب حکومتی با محبوبیت کسانی نظیر برنی ساندرز و جرمی کوربین قابل مشاهده است. البته ازینجا تا شکل گیری یک جنبش کمونیستی و آنتی کاپیتالیستی انقلابی در غرب که بتواند متضمن رهائی و رفاه نه تنها جوانان هزاره بلکه کل مردم باشد هنوز راه درازی در پیش است اما حتی همین نشانه های اولیه حاکی از بحران هم جانبه سرمایه داری عصر ما است. بحرانی که عروج ترامپیسیم در آمریکا و بن بست برگزیت در بریتانیا و شورش جلیقه زردها در فرانسه آخرین بروازات آنست. اکنون بر همه روشن است که نه تنها دوران هیاهوی نظم

### ازدواج سفید و حکومت سیاه

"ازدواجهای سفید سیاهترین نوع زندگی مزدوج است" خامنه ای آنچه "سیاهترین نوع زندگی مزدوج" است ازدواجهای اسلامی است. و ازدواجهای سفید در ایران دقیقاً در پاسخ به این سیاهی رواج یافته است.

در کشورهای غربی مدتهاست ازدواج بدون ثبت رسمی و فارغ از دخالت مذهب به یک شیوه زندگی مشترک تبدیل شده و از جانب دولتها نیز برسمیت شناخته شده است. اما موج ازدواجهای سفید در ایران پدیده ای فراتر از روی آوری به زندگی مشترک آزاد و بدون ثبت رسمی و مذهبی است. این قبل از هر چیز یک حرکت ضد اسلامی و یک نوع چالش جمهوری اسلامی و مخالفت با زن ستیزی قرون وسطائی حکومت است.

ازدواج سفید پاسخی است به سیاهی و تباهی تجاوز به دختران نه ساله تحت عنوان ازدواج شرعی، گسترش فحشا تحت عنوان صیغه، تعدد زوجات، و بردگی جنسی زن تحت قیمومیت شوهر و بیحقوقی کامل آنان در خانواده. از دواج سفید به این تباهی و سیاهی نه میگوید و در برابر حکومتی که عامل این تباهی و سیاهی است می ایستد. خامنه ای میگوید ازدواج سفید نهاد خانواده را به خطر انداخته است، اما آنچه به خطر افتاده کل نظام اسلامی است. اساس نگرانی خامنه ای هم همین است.

### مینا احدی و کمونیسم "جدید" در آلمان

استقبال عمومی و رسانه ای از فعالیتهای اخیر مینا احدی در آلمان سر آغاز دور تازه ای از مطرح شدن کمونیسم به روایت حزب ما در کشور آلمان و در سطح اروپا است. مینا بعنوان رهبر کارزار علیه اعدام و سنگسار، علیه اسلام سیاسی، علیه پست مدرنیسم و نسبت فرهنگی، علیه راسیسم و علیه پناهنده ستیزی، و علیه بیحقوقی زنان در کشورهای اسلامزده چهره شناخته شده ای است. در عین حال همه میدانند او یک کمونیست دو آتش و عضو رهبری حزب کمونیست کارگری ایران است. هیچیک از این دو جنبه امر تازه ای نیست. آنچه تازه است جایگاه و نقش مینا احدی بعنوان چهره و سخنگوی یک نوع کمونیسم دیگر، یک نوع کمونیسم متفاوت از چپ مالتی کالچرالیستی- پرو اسلامیستی رایج در غرب است.

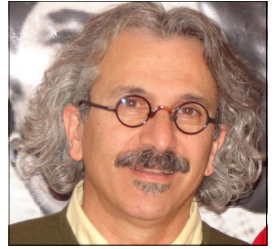
استقبال عمومی و رسانه ای از فعالیتهای اخیر مینا احدی در آلمان سر آغاز دور تازه ای از مطرح شدن کمونیسم به روایت حزب ما در کشور آلمان و در سطح اروپا است. مینا بعنوان رهبر کارزار علیه اعدام و سنگسار، علیه اسلام سیاسی، علیه پست مدرنیسم و نسبت فرهنگی، علیه راسیسم و علیه پناهنده ستیزی، و علیه بیحقوقی زنان در کشورهای اسلامزده چهره شناخته شده ای است. در عین حال همه میدانند او یک کمونیست دو آتش و عضو رهبری حزب کمونیست کارگری ایران است. هیچیک از این دو جنبه امر تازه ای نیست. آنچه تازه است جایگاه و نقش مینا احدی بعنوان چهره و سخنگوی یک نوع کمونیسم دیگر، یک نوع کمونیسم متفاوت از چپ مالتی کالچرالیستی- پرو اسلامیستی رایج در غرب است.

کمونیسمی که در داخل ایران نیز با اوجگیری جنبش کارگری نامش بر سر زبانها می افتد، کمونیسمی که مبارزات کارگران و زنان و جوانان در ایران را با کمپینها و مبارزات مینا و دیگر چهره های شناخته شده حزبی در آلمان و در سایر کشورها و در عرصه های مختلف به هم پیوند میدهد، اکنون به همین اعتبار از جانب افکار عمومی و مدیای اصلی در آلمان برسمیت شناخته میشود. اکنون این کمونیسم "جدید" و "کمونیسم گسترش

**مبنای انقلاب کارگری بشریت است، مبنای آزادی کارگر، بشریت است، و مبنای مارکسیسم آزادی بشریت است.**

منصور حکمت

# زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



## علی جوادی

این بار نیز ۱۰ گروه و سازمان قوم پرست و ملی - اسلامی بنیانگذار ائتلاف دیگری شده اند. این بار تحت نام "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران: (جمهوری - دمکراسی - جدایی دین و دولت - فدرالیسم)".

اما هر کس که کمترین شناختی با سابقه و جایگاه سیاسی و اجتماعی جریانات مختلف در اپوزیسیون رژیم اسلامی را داشته باشد، ذره ای ادعای این جریانات قوم پرست و ملی اسلامی را برای "آزادی و برابری" جدی نخواهد گرفت. جریاناتی مانند اکثریتی ها سابقه و پرونده سیاسی در دفاع از حکومت اسلامی و همکاری با ارگانهای سرکوب این رژیم دارند. جریانات قوم پرست این صف تعفن سیاست قوم پرستی و ضدیت شان با انسانیت و برابری انسانها فضای سیاست در ایران را به میزان وجودشان آلوده و مسموم کرده است. اگر دمکراسی به معنی و تعبیر عام حتی ذره ای مترادف آزادی باشد، همگان میدانند که این جریانات مدافعان و پرچمداران هیچگونه آزادی همگان نیستند، بلکه بنا به اصول پایه ای شان ضدیت با آزادی و رهایی انسانها امر هر روزه و هویتی شان است. این جریانات مدعی جدایی دین از دولت شده اند، اما خواهان ادغام هویت کثیف قومی و ملی در سیستم فدرالی قومی مورد نظر خود هستند. سیستم فدرالیستی مورد نظر

## ائتلافی برای "آزادی و برابری" یا خون پاشیدن به تحولات آتی در ایران

این جریانات تنها میتواند بر متن کشتارهای خونین قومی و ملی و گورهای دسته جمعی شکل بگیرد.

به این جریانات باید پرداخت. اهداف واقعی آنها را باید بدون کوچکترین اغماضی افشاء و نقد کرد. نتایج خونین هر درجه پیشروی سیاستهای این جریانات ارتجاعی در جامعه را باید به توده های مردم معترض که خواهان آزادی و برابری و رفاه هستند، خاطر نشان کرد.

طرح شعار ارتجاعی فدرالیسم از جانب نیروهای قوم پرست و پشتیبانی بخشهایی از نیروهای ملی - اسلامی و بخشهایی از هیات حاکمه آمریکا از این طرح در آینده تحولات سیاسی ایران زمینه ساز مباحث حاد و تعیین کننده ای در فضای سیاسی اپوزیسیون رژیم اسلامی شده است. تشدید تبلیغات ارتجاعی قوم پرستانه و ناسیونالیستی یک محصول این فضا است. بلند کردن چماق "تمامیت ارضی" و مقابله با "تجزیه طلبی" محصول دیگر این کینه توزی و کشمکش قومی و ملی است. اگر این کشمکش فقط جدالی میان جریانات قوم پرست و ناسیونالیست بود، تأثیری بر زندگی و تحولات سیاسی جامعه ایران نداشت، صرفاً منجر به تضعیف و حاشیه ای شدن جریانات ناسیونالیست میشد، امکان داشت با نشان دادن حقارت و ضد انسانی بودن این جدال از کنار آن رد شد. اما متأسفانه چنین نیست. این جدال در متن یک فضای سیاسی مساعد منطقه ای و جهانی میتواند بشدت مخرب و

دهشتناک شود. سؤال این است که چگونه میتوان این فضا و جریانات را حاشیه ای کرد؟ چگونه میتوان جلوی تأثیرات مخرب و دهشتناک گسترش این تحولات ارتجاعی را گرفت؟ راه حل انسانی و متمدانه برای مقابله با این فضا کدامست؟ برای بررسی از جنگ هویتهای کاذب، هویت قومی و هویت ملی باید شروع کرد.

### هویت قومی، هویت ملی: جنگ هویتهای کاذب

یک رکن پایه ای کشمکش قومی و ناسیونالیستی جنگ هویتهای کاذب ملی و قومی است. ملت یا ملیت اسم رمز جنگ میان ناسیونالیستهای عظمت طلب و ناسیونالیستهای قوم پرست است. صورت مساله از قرار این است که یا هویت ناسیونالیسم ایرانی، "یک ملت - یک کشور"، و یا اینکه هویتهای متفاوت قومی، در "جامعه کثیر الملله" و نتیجتاً هویتهای متفاوت قومی باید مبنای هویت مردم در ایران باشد؟! داریوش همایون تئوریسین راست محافظه کار در این جدال سخنان روشنی دارد، میگوید: "ما یک ملت ایران داریم با پیشینه دراز دفاع از یکپارچگی و استقلال ملی و این ملت میخواهد همچنان بماند." در طرف دیگر ناسیونالیستهای قوم پرست بر هویت متمایز "اقوام و ملل ساکن ایران" متشکل از کرد و عرب و بلوچ و آذری و . . . تأکید میکنند. یک طرف این جدال میکوشد هویت "ملی" ایرانی و طرف دیگر میکوشد مردم را بخش بخش کرده و هویتهای "قومی" را به آنها حفته کند.

بحث پیرامون این هویتها و نشان دادن پوچی و کاذب بودن این "جدال هویتی" صرفاً یک بحث تجریدی پیرامون مقولاتی فلسفی و آکادمیک نیست. بحثی زمینی است و نتایج مادی و عینی عمیقی به دنبال خواهد داشت. متأسفانه این جدال در دوران اخیر میتواند ابعاد بسیار خونباری بخود بگیرد. تاریخ معاصر این جدالها حتی در قلب "روپای متمدن" چیزی جز اعدامهای دسته جمعی، گورهای دسته جمعی و پاکسازیهای خونین قومی نبوده است.

اما برای غلبه بر تعلقات ناسیونالیستی و قومی و حاشیه ای کردن این جریانات باید در عین حال دست به ریشه فکری و فلسفی این جریانات برد. باید پوچ بودن مبانی پایه ای این تقسیم بندیها را نشان داد. چرا تقسیم انسانها و مردم علی العموم به ملت و یا ملیتها اقدامی ارتجاعی است؟ کلا به مقوله ملت و ملیت چگونه باید برخورد کرد؟ این کشمکش چه جایگاهی در این جدال خونین ناسیونالیستی بر سر هویت مردم دارد؟

### خرافه "ملت و ملیت"

واقعیت این است که مقوله ملت و یا ملیت مقولاتی اسطوره ای و اساطیری و غیر قابل تعیین هستند. نه تفاوتهای بیولوژیک و طبیعی انسانها مبنای تعریف ملت و یا ملیت است و نه تعاریف بدست داده شده تا کنونی قابل دفاع و دارای مبنای علمی هستند. نه مردم ساکن جغرافیای ایران را میتوان به "اعضای ملت ایران" و یا "عناصر ملیتهای مختلف ساکن ایران" تقسیم کرد. مردم ساکن ایران مانند مردم ساکن سایر جغرافیای سیاسی موجود انسانند. نه کرد اند، نه بلوچ

اند، نه عرب اند و نه فارس. انسان اند. همین! جهان مجموعه رنگین کمانی از ملتتهای مختلف با هویتتهای گوناگون نیست. این تقسیم بندیها مستقل از اینکه از کدام سو بکار گرفته شود، تقسیم بندیهای کاذب و ضد انسانی هستند. اقدامی است ارتجاعی برای ایجاد شکافهای قومی و ملی میان مردم و تحکیم حاکمیت طبقه سرمایه دار بر جامعه. چرا؟ برای بررسی از پایه ای ترین مقوله در این جنگ یعنی ملت آغاز میکنیم. برای پی بردن به پوچ بودن مقوله ملت یک سؤال ساده کافی است. ملت چیست؟ این سؤال جوهر تناقضات و معضلات این مفهوم ناسیونالیستی را روشن میکند. به قول منصور حکمت (ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری، نوامبر ۱۹۹۴) تا زمانیکه پرسیده نشده است گویی پاسخش روشن و داده شده است. ملت چیست؟ تعاریفی که ایدئولوگهای ناسیونالیست، چه چپ و چه راست، از قضیه ارائه میدهند عمدتاً بر فاکتورهایی مانند اشتراک در زبان، سرزمین، تاریخ و آداب و رسوم و اقتصاد سیاسی واحد را در بر میگیرند. اما این تعاریف و یا هر زیر مجموعه آن به سادگی در مقابل واقعیات ابژکتیو نادرستی علمی و غیر واقعی بودن خود را نشان میدهد.

ملت، بخشی از مردم نیست که به زبان واحدی تکلم میکنند. مردم انگلیس و آمریکا و بخشهای وسیعی از هندوستان و یا مستعمرات سابق انگلیس به زبان واحدی تکلم میکنند. اما کمتر ناسیونالیست دو آتشه ای حاضر است تعریف ملت انگلیسی را به مردم ساکن

از صفحه ۶

هندوستان و یا ساکنین مستعمرات سابق این کشور در آفریقا تعمیم دهد. نه تنها "ملتهای" چند زبانه بسیارند، از جمله "ملت ایران" در تعریف ناسیونالیستهای عظمت طلب، بلکه زبانهای "چند ملیتی" نیز در جهان بسیار یافت میشوند. آن شاخه هایی از ناسیونالیسم، ناسیونالیسم قومی، که عمدتاً زبان مشترک را مبنای هویت بخشهای مختلف مردم قرار میدهند، بسادگی غیر علمی بودن این تلاششان روشن میشود.

اشتراک در سرزمینهایی که مورد زیست بوده اند نیز کمکی به حل مساله و ارائه تعریفی عینی از مقوله ملت نمیکند؟ در طول تاریخ مردم منتسب به ملتهای مختلف در سرزمینهای مشترکی زندگی کرده اند. بسیاری از جنگهای قومی و ملی نیز بر سر تعیین حدود و ثغور سرزمینهای مورد ادعای طرفین بوده است. نمونه ها بسیارند. ادعای "ملت یهود" بر سرزمینهای پیرامون اورشلیم یک نمونه زنده و برجسته این کشمکشهاست.

اقتصاد مشترک و پیوندهای اقتصادی نیز چاره ساز نیست و نمیتواند مبنایی برای تفکیک و بخش بخش کردن انسانها به "ملتها و یا ملیتهای" متفاوت باشد. تا آنجا که به نظام سرمایه داری و مقولاتی از جمله اقتصاد مشترک و بازار اقتصادی واحد بر میگردد، این مفاهیم بدون وجود دولت واحد قابل تبیین نیست. و چنانچه ملتی توانسته باشد دولت واحد و خودی را شکل داده باشد، آنوقت ارجاع به مقوله خود ملت از پیش زائد و غیر لازم است و نمیتواند مبنای تبیین

## اتلافی برای "آزادی و برابری" یا خون پاشیدن به

ملت واقع گردد. بعلاوه اقتصاد انتگره و بهم پیوسته سرمایه داری جهانی و روند گسترش جهانی سرمایه داری این مفاهیم را کاملاً سوپروکتیو و غیر واقعی میکند. به اعتباری جهانی شدن سرمایه باید زمینه های وجود ملت را نیز بنا به تعریف خود ناسیونالیستها از بین ببرد.

تاریخ و روحيات مشترک و یا کاراکتر فرهنگی و اخلاقی مشترک نیز بجای کمک به حل مساله برعکس کار ایدئولوژیهای ناسیونالیست را مشکل تر میکنند. اخلاقیات و فرهنگ مشترک به شدت اختیاری و تعابیری دلخواهی و غیر قابل تعیین هستند. معیارهای روحيات مشترک فرهنگی عینی چیست؟ شاخص ها کدامند. این مقولات به شدت ذهنی و دلخواهی هستند. از طرف دیگر تلاش برای تعریف مقوله ملت با مفاهیمی از جنس اخلاقیات و یا فرهنگ مشترک تلاشی کاملاً ضد علمی و وارونه است. اگر فرهنگ و کاراکتر و اخلاق مشترک محصول وجود و سوخت و ساز یک ملت است نتیجتاً تلاش برای اثبات مقوله ملت بر مبنای اخلاق و فرهنگ مشترک فرض گرفتن وجود ملت و توضیح آن بر مبنای علائم و بروزات وجود آن است.

پروسه تعریف مقوله ملت یک پروسه علمی و متکی به علوم دقیقه نیست. یک تلاش سیاسی و ایدئولوژیک است. واقعیت این است که ملت و هویت ملی محصول طبیعت یا تقسیم بندیهای واقعی و قابل

تبیین میان مردم از جمله تقسیمات بیولوژیک و یا نژادی و یا زبانی نیستند. محصول تلاش نیروهای رنگارنگ ناسیونالیستی هستند. تاریخ معاصر این امکان را به ما داده است که شاهد خلق "ملتهای" مختلف از یک سو و از سوی دیگر شاهد از بین رفتن "ملتهای" دیگر باشیم. ملت نامیده شدن بخشهایی از مردم یک وظیفه هویتی و همیشگی نیروهای رنگارنگ ناسیونالیسم است. و در طول تاریخ بعضاً موفق شده اند این هویت را علیرغم غیر واقعی و کاذب بودن به باور بخشهای وسیعی از مردم تبدیل کنند. بطوریکه بخشهایی از مردم خود را با این هویتهای کاذب و ارتجاعی بیان و تعریف میکنند. سهم ناسیونالیسم در این میان خلق یک ملت در ذهن بخشهایی از جامعه است. خالق یک ملت نه طبیعت و تکامل طبیعی انسانها بلکه ناسیونالیسم و جریانات ناسیونالیستی است. هویت ملی و ناسیونالیستی همانند هویت مذهبی و باورهای مذهبی تماماً خرافی و ضد علمی است. (برای بحث بیشتر پیرامون این مقوله رجوع کنید به منصور حکمت: "ملت" ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری، نوامبر ۱۹۹۴).

اما چه اهداف زمینی و مادی و سیاسی در پس این هویت تراشی کاذب برای بخشهای مختلف مردم دنبال میشود؟ یک هدف همیشگی ناسیونالیستها در پی تلاش برای شکل دادن به ملت، ایجاد "هویت ملی" و یا "اراده و منفعت ملی" است. ملت از قرار موجودیتی است که در فرای تقسیم بندیهای طبقاتی موجود در جوامع قرار میگیرد. هم کارگر است. هم بورژوا. هم استثمار میشود و

هم استثمار میکند. و به همین اعتبار از قرار دارای بار سیاسی و طبقاتی خاصی نیست. و به همین اعتبار میتواند مدعی صاحب حق برای ایجاد دولت، صاحب تشکیل کشور مستقل و یا صاحب سرنوشت مشترک و واحدی باشد. بنا به این تعاریف ناسیونالیستی آحاد یک "ملت"، مجزا از تقسیم بندیهای طبقاتی غیر قابل انکار هر جامعه ای، دارای منافع مشترک اقتصادی و هویت مشترک یکسانی هستند. بنا به این تقسیم بندیها بسادگی حاکمیت ملی و حاکمیت ناسیونالیستها با حاکمیت آحاد آن "ملت" یکی تلقی میشود. این منفعت زمینی تلاشی برای حقنه کردن هویتهای کاذب ملی و قومی بر مردم است. تمام قدرت و هنر ناسیونالیسم در این است که با انکار منافع متضاد طبقاتی میتواند هویتی به اصطلاح مشترک را مبنای حاکمیت و دولت و سازمان سیاسی و اقتصادی جامعه قرار دهد. هویت ملی مبنای استراتژیک ناسیونالیسم در سازماندهی دولت طبقاتی و ملی است.

### معنای خونین هویت

#### تراشی قومی

اما جنگ و جدال ناسیونالیستهای رنگارنگ جنگی بر سر تعاریف ضد علمی و خود ساخته نیست. بار و منفعت زمینی و اقتصادی و سیاسی خاصی و همانطور که بخشهای پیشین این مطلب اشاره کردیم ثمرات خونبار و هولناکی به دنبال خواهد داشت. جنگی بر سر سهم بری از قدرت سیاسی و نتیجتاً سهم بری از ارزش اقتصادی تولید شده توسط کارگر در جامعه است. ناسیونالیسم عظمت طلب با انکار سهم بری سایر بخشهای

بورژوازی بومی که بر طبل قومی گری میکوبند، میکوشد موقعیت انحصاری و ویژه خود را حفظ و تامین کند. در طرف دیگر جدال ناسیونالیستهای قومگرا میکوشند با رجوع به پیشینه ای از نابرابری و ستم در جامعه حق و حقوقی برای خود و به عبارت دیگر برای "بورژوازی خودی" دست و پا کنند. یکی از نتایج مخرب هویت ملی و ناسیونالیسم ضدیت با اصل اصالت انسان است. تلاش برای حقنه کردن هویت قومی و ملی بر بخشهایی از مردم سنگ بنا و تخته پرش رو در رو قرار دادن انسانها بر مبنای قومیت و ملیت و راه اندازی جنگهای قومی و ملی است. ناسیونالیسم و هویت ملی با اصل اصالت انسان در تناقض است. ناسیونالیسم منجر به تکه تکه کردن طبقه کارگر است. کارگری که خود را کرد و فارس و بلوچ میداند ابتدا به ساکن سر خود را برای پذیرش یوغ بردگی و اسارت ملی خم کرده است.

افشا و نقد ناسیونالیسم، از هر جنس و شاخه ای، و نشان دادن منافع اقتصادی و سیاسی نهفته در تلاش برای خلق هویتهای قومی و ملی خرافی و رو در رو قرار دادن بخشهای مختلف مردم توسط ناسیونالیستها یک وظیفه دائمی جنبش کمونیسم کارگری است. نشان دادن ماهیت ضد انسانی این تلاشها یک وظیفه همیشگی ماست.

### ستم ملی: راه حل های

#### ارتجاعی ناسیونالیسم

اگر افشاء و نقد هویتهای کاذب قومی و ملی یک وظیفه مشخص کمونیسم کارگری است، تلاش برای رفع تبعیض و نابرابری و ستم بر حسب تعلق و یا انتساب مردم به

از صفحه ۷

## انتلافی برای "آزادی و برابری" یا خون پاشیدن به

ملیتهای مختلف یک رکن دیگر و همیشگی مبارزه کمونیستی است.

یکی از نتایج کریه و زشت رقابت و کشمکش ملی و ناسیونالیستی تبعیض و ستم ملی است. انسانهایی که صرفاً بخاطر تعلق کاذب به ملت و ملیتی دیگر مورد ستم و تبعیض قرار میگیرند. از کودک و سالمند، بدون اینکه الزاما عملی مرتکب شده باشند و یا خود بدانند که عملی مرتکب شده اند که "مستوجب مجازاتی" باشد از بدو تولد تا روز پایانی زندگی مورد تحقیر و تبعیض و مجازات قرار میگیرند. ستم ملی یک مجازات دسته جمعی است. کریه و ضد انسانی است.

این ستم و نابرابری ریشه در رقابتهای و کشمکشهای تاریخ معاصر بورژوازی دارد. شکل گیری دولتتهای بورژوایی در بسیاری از موارد همراه با اعمال تبعیض و نابرابری علیه "ملت اقلیتی" و یا به اصطلاح "ملتهای فرودست" ساکن در جغرافیای یک کشور معین بوده است. کشورهایی که بر مبنای قرار دادن هویت و کاراکتر ملی داده شده ای در ساختار دولت و نظام سیاسی جوامع شکل گرفته اند، اساسا دارای چنین ویژگی هایی هستند. ستم سیستماتیک ملی اساسا نتیجه و محصول ملی تعریف کردن دولت و فلسفه قدرت دولتی در جامعه است. زمانیکه ناسیونالیسم "ملت بالا دست" و به اصطلاح ملت تشکیل دهنده دولت بورژوایی هویت ملی را به رکنی از ارکان قدرت دولتی و ابزاری برای تامین برتری ملی تبدیل میکنند در نتیجه ستم و تبعیض ملی یکی از

تسهیل کننده مبادلات اقتصادی و تجاری در نظام نوپای سرمایه داری در ایران بوده است.

راه حل های برای رفع ستم ملی متنوع و گوناگون است. این راه حل ها تا کنون از خودمختاری فرهنگی و اداری، تشکیل حکومتهای فدرال قومی، و یا جدایی و تشکیل دولت مستقل ملی را در بر گرفته است. بسیاری از این راه حل ها مانند خود ستم ملی ارتجاعی اند. اما در دوران اخیر و با توجه به تحولات بین المللی پس از سقوط بلوک شرق، قراردادن نوع معینی از ناسیونالیسم و آن هم عمدتا ناسیونالیسم قومی به عنوان شالوده ایدئولوژیک حکومتهای نو پا و طرح فدرالیسم قومی در صدر این راه حل ها قرار گرفته است. در مرکز این طرحهای ناسیونالیستی برای رفع "ستم ملی" در ایران بحث "جامعه کثیر الملله" قرار دارد. "چپ ترین" این جریانات ناسیونالیستی معتقدند که قدم اول در حل مساله ملی پذیرش هویت قومی در جامعه و قبول جامعه ایران به مثابه کشور در برگیرنده "ملل و اقوام" مختلف است. تلاش برای حقنه کردن و ابدی کردن هویت ملی و قومی یک رکن پایه ای سیاست ارتجاعی ناسیونالیسم "ملت فرودست" است.

طرح خود مختاری و اتونومی که مدتها از جانب ناسیونالیستهای قومی بعنوان طرحی برای پاسخ دادن به ستم ملی دنبال میشد، اساسا یک طرحی ارتجاعی برای اداره جامعه در سطح محلی است. بر خلاف تبلیغات ناسیونالیستهای قومی اتونومی و خودمختاری به معنای "بسط پایه های دمکراسی" و اقدامی ریشه ای

بمنظور رفع تبعیض و نابرابری در سطح و ابعاد سراسری در کل کشور نیست. ایده خود مختاری که متضمن حفظ چهارچوب واحد کشوری است با قرار دادن هویت قومی و ملی در سیاست و فلسفه "حکومت محلی" نسخه ای برای تعبیه کردن شکاف و نابرابری میان مردم و ابدی کردن این شکاف در پایه ای ترین سطوح جامعه است. خود مختاری اگر چه ممکن است رابطه ملت بالادست با ملت فرودست را دگگون کند، و تبعیض علیه "ملت فرودست" را در منطقه خود مختار کاهش دهد، اما در سطحی گسترده تر و سراسری تر در کشور یک رابطه نابرابر و تبعیض آمیز را میان مردم منتسب به ملیتهای مختلف در جامعه شکل و سازمان و نهادینه میکند. این طرحها جامعه را به ملیتها تقسیم کرده و هر تقسیم انسانها به اجزاء قومی و ملی متضمن برقراری شکاف و رو در رویی در جامعه بر مبنای این هویتها کاذب و جعلی است. مساله این است که نفس ایجاد هر حکومتی، چه محلی و چه سراسری، بر مبنای هویت قومی و ملی در واقع به معنای زیر پا گذاشتن حاکمیت و حقوق شهروندان و محدود کننده حقوق مدنی و انسانی در جامعه در سطحی پایه ای تر است. خودمختاری و اتونومی طرحی برای سهم بری ناسیونالیسم قومی و بورژواهای محلی از قدرت و سرمایه انباشته شده در جامعه است.

از طرف دیگر فدرالیسم نیز نسخه ای عمیقا ارتجاعی و بمراتب ضد انسانی تر از طرح های خودمختاری و اتونومی در پاسخ به ستم و تبعیض ملی در جامعه است. فدرالیسم یک سیاست و طرح

ارتجاعی برای آینده تحولات سیاسی ایران است. نه فقط متضمن هیچ درجه ای از گسترش آزادیهای سیاسی و مدنی مردم نیست بلکه طرحی اساسا ارتجاعی و ضد مردمی و متضمن تحمیل عمیقترین عقبگردهای فرهنگی و سیاسی و فکری در جامعه است. فدرالیسم قومی تعبیه کردن هویت قومی و ملی را به تمامی شئون حاکمیت در بخشهای مختلف جامعه بسط داده و به این اعتبار به ابعاد ضد انسانی خودمختاری و اتونومی ابعادی سراسری و همگانی می بخشد. فدرالیسم قومی به لحاظ عملی زمینه ساز خونبارترین کشمکشهای قومی و ملی در سطح کشور است. هر نوع تلاش برای تقسیم بخشهای مختلف جغرافیای ایران بر مبنای قومیت بدون تردید منجر به یک جنگ و کشمکش خونین قومی خواهد شد که ابعاد آن حتی قابل مقایسه با فاجعه یوگسلاوی و پاکسازیهای قومی و نژادی نخواهد بود.

واقعیت این است که راه حل های ناسیونالیستی برای رفع ستم ملی تماما ارتجاعی و ضد انسانی هستند. وجود ستم ملی در جامعه توسط جریانات و جنبش های اجتماعی متفاوت میتوانند به سرانجامهای کاملا متفاوتی منجر شوند. راه حل ناسیونالیستی از هر سو، چه ناسیونالیسم "ملت بالا دست" و چه ناسیونالیسم "ملت فرو دست"، متضمن تداوم نابرابری و شکاف بر حسب تعلقات کاذب ملی و قومی در جامعه است. به قول منصور حکمت "مساله ملی محصول ناسیونالیسم است. اما راه حل آن بارها به دوش سوسیالیسم کارگری قرار میگیرد."\*



## حزب کمونیست کارگری به کمک مالی شما نیازمند است اصغر کریمی



سیاسی نیز هست. از تک تک شما که حزب را میشناسید و خود را در اهداف انسانی و آزادیخواهانه آن شریک میدانید، انتظار کمک داریم. کمک کنید و دوستانتان را تشویق به کمک کنید. امیدواریم مبلغی بسیار بیشتر از آنچه در فراخوان حزب آمده است به صندوق حزب سرازیر شود تا حزب بتواند به تعهدات سیاسی خود و تعهدات تازه ای که در مقابل جامعه و فعالین کارگری دارد و همینطور تعهداتی در مقابل دوستانی که بدلیل شرکت در مبارزه و یا برای تداوم فعالیت خود با مشکل مالی و تامین زندگی خود مواجه شده اند، جوابگو باشد.\*

های متنوع حزب در گرو تقویت بنیه مالی حزب است. تقویت این حزب بخشی از مبارزه شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده و پلید اسلامی و شکل دادن به جامعه ای شاد و آزاد و برابر و انسانی است. حکومت اسلامی را باید تضعیف و سرنگون کرد و حزب را باید هرچه بیشتر تقویت کرد. به این معنی فراخوان حزب برای تامین مالی حزب یک فراخوان

از صفحه ۱  
هرروزه برای سازمانیابی و سازماندهی توده ای بخش های مختلف جامعه هستند. این تلاش ها، این سازماندهی ها و اعتراضات و تجمعات اعتراضی وسیع و امیدبخشی که در مراکز کارگری و در خیابان ها جریان دارد، برای تبدیل شدن به یک آلترناتیو سیاسی موثر نیاز مبرم به حزب دارند. حزب کمونیست کارگری حزب این دوره است. امید بسیاری از مردم است. باید بدور سیاست های آن گرد آمد، همه جا واحدهایش را ایجاد کرد، برنامه و ادبیات و سیاست هایش را همه جا مورد بحث قرار داد، فراخوان هایش را هرچه بیشتر عملی کرد و از جمله حزب را باید تقویت مالی کرد. بسیاری از پروژه های حزب نیاز و گسترش فعالیت

از صفحه ۱  
جلیل جلیلی ۵۰۰ پوند  
فواد روشن ۲۰۰۰ کرون  
محمد کاظمی و منیر ۹۰۰ دلار  
محسن ابراهیمی ۲۰۰ دلار  
سعید مدانلو ۵۰۰ دلار  
سیامک بهاری ۱۰۰۰ کرون  
اسماعیل مردوخی ۳۰۰ کرون  
فرزانه درخشان ۱۰۰ یورو  
فرشاد حسینی ۱۸۲۰ یورو  
اصغر کریمی ۲۰۰ پوند  
محمد هوشمند ۱۰۰ دلار  
مهران محبوبی ۱۰۰ دلار  
خلیل کیوان ۱۰۰۰ کرون  
امیر توکلی ۱۰۰ یورو  
عباس ماندگار ۵۰۰ دلار  
کیا صبری ۲۰۰ دلار  
منصور ترکاشوند ۱۱۰ دلار  
امیر زاهدی ۱۰۰ دلار  
حمید رحمی پور ۳۰۰ یورو  
داریوش صفا ۳۰۰ یورو  
جمع ۱۴۳۲۰ یورو

## لیست کمک مالی به حزب (لیست شماره ۱)

رحیم یزدانپرست ۱۰۰ یورو  
سیامک مکی ۲۰۰ یورو  
بابک یزدی ۶۰۰ دلار  
حسن صالحی ۶۰۰۰ کرون  
مصطفی صابر ۳۰۰۰ دلار  
سیما بهاری ۵۰۰۰ کرون  
نوید محمدی ۵۰ یورو  
محمدامین کمانگر ۵۰ یورو  
اندیشه علیشاهی ۵۰۰ کرون  
مجید آذری ۳۰۰ دلار  
سیاوش مدرسی ۵۰ پوند  
داود آرام ۴۰۰+۴۰۰  
عباس ایاغ ۱۰۰ دلار  
هه ژار علیپور ۱۰۰ دلار  
پدی محمودی ۲۵۰ دلار  
فریده آرمان ۶۰۰۰ کرون  
پروین معاذی ۲۰۰ یورو  
نسان نودینیان ۲۰۰ یورو  
سعید آرام ۳۰۰۰ پوند

## شماره حساب و آدرس های تماس برای کمک مالی

سوئد:	انگلیس:	سوئد:
سوالی دارید میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:	England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI branch: Wood Green Bank: NatWest IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981 BIC: NWBK GB 2L	Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK تلفن تماس: هرمزرها ۰۰۴۶۷۳۹۶۳۴۲۵۱ آلمان:
سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱ markazi.wpi@gmail.com	جلیل جلیلی: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱ تلفن تماس در کانادا: عباس ماندگار: ۰۰۱۲۵۰۶۸۶۹۴۳۳ بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸	Germany M. Eli Commerzbank Kontonr: 727634800 BLZ: 60040071 IBAN: DE8460040071072763 4800 BIC/SWIFT: COBADEFFXXX محمد شکوهی: ۰۰۴۹۱۷۸۵۳۹۶۵۹۴ شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
از ایران: تماس با حزب کمونیست کارگری: از طریق واتس آپ و ایمو: ۰۰۴۶۷۳۹۵۶۲۴۶۲ tamas.wpi@gmail.com	از ایران: تماس با حزب کمونیست کارگری: از طریق واتس آپ و ایمو: ۰۰۴۶۷۳۹۵۶۲۴۶۲ tamas.wpi@gmail.com	
از ایران: بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸ babakyazdi2@gmail.com	از ایران: بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸ babakyazdi2@gmail.com	

## پیش بسوی تشکیل شوراهای مستقل مردمی!

خواست تشکیل شوراهای مستقل از درون مبارزات کارگری بگوش میرسد. کارگران برای دفاع از زندگی خویش، برای خلاصی از شر سرمایه داران انگل و مفتخوری که حتی حقوق توافقی شده کارگر را هم در این مملکت بالا میکشند، به ضرورت تشکیل شوراهای مستقل برای نظارت و کنترل و اداره کارخانه رسیده اند. شوراهای مستقل یعنی اعمال اراده مستقیم مردم در اداره کل جامعه! شوراهای یعنی کارخانه و محله و شهر و کل جامعه بدست خود مردم اداره شود. تشکیل شوراهای مستقل یعنی جارو کردن بساط دزدان و چپاولگران حاکم. یعنی جمع کردن بساط پاسدار و پلیس و کل نیروهای مسلح و بوروکراتیک!

زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه ای انسانی!

زنده باد جمهوری  
سوسیالیستی!  
حزب کمونیست  
کارگری ایران

۳۱ مرداد ۱۳۹۷،  
۲۲ اوت ۲۰۱۸

## جای جمهوری اسلامی در نهادهای حقوق بشری نیست

قرار است محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در روز ۲۶ فوریه سخنرانی کند. این قبل از هرچیز تکلیف چنین نهادهایی را هم روشن میکند که به نماینده حکومتی که بطور سیستماتیک هرگونه حقوقی را از مردم سلب کرده است، اجازه میدهند در این نهاد سخنرانی کند.

ظریف نماینده حکومتی است که ۴۰ سال بدون وقفه مردم ایران را از ساده ترین حقوق خود محروم کرده است، دهها هزار نفر را به جرم مخالفت با حکومت اعدام کرده است، صدها زن را سنگسار کرده است، دهها هزار زندانی سیاسی را به شنیع ترین وجه شکنجه کرده است. هنوز هم هفته ای نیست چند نفر را بالای دار نفرستد، روزی نیست فعالین کارگری یا معلمان معترض و دانشجویان حق طلب را دستگیر نکند، یا فعالین محیط زیست را به زندان نیندازد. چهل سال است بطور

قرار است محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در روز ۲۶ فوریه سخنرانی کند. این قبل از هرچیز تکلیف چنین نهادهایی را هم روشن میکند که به نماینده حکومتی که بطور سیستماتیک هرگونه حقوقی را از مردم سلب کرده است، اجازه میدهند در این نهاد سخنرانی کند.

ظریف نماینده حکومتی است که ۴۰ سال بدون وقفه مردم ایران را از ساده ترین حقوق خود محروم کرده است، دهها هزار نفر را به جرم مخالفت با حکومت اعدام کرده است، صدها زن را سنگسار کرده است، دهها هزار زندانی سیاسی را به شنیع ترین وجه شکنجه کرده است. هنوز هم هفته ای نیست چند نفر را بالای دار نفرستد، روزی نیست فعالین کارگری یا معلمان معترض و دانشجویان حق طلب را دستگیر نکند، یا فعالین محیط زیست را به زندان نیندازد. چهل سال است بطور

مینا احدی  
سخنگوی حزب  
کمونیست کارگری ایران  
۲۵ فوریه ۲۰۱۹

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری  
سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت ۸ مارس

## زنده باد هشت مارس روز جهانی زن! گسترده تر باد مبارزه علیه حجاب و تبعیض و زن ستیزی! گرامی باد چهل سال نبرد شورانگیز زنان علیه جمهوری اسلامی!

خود را برای پایان دادن کامل به حجاب و تبعیض و زن ستیزی و برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری تحکیم بخشیم. شکی نیست که هر پیشروی زنان ایران علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی دستاوردی برای تمام زنان جهان و بویژه در کشورهای اسلام زده است. جنبش رهایی زن در ایران بخش رادیکال و پیشتاز جنبش نوین رهایی زن در جهان است که علیه نابرابری و تبعیض و بردگی جنسی ای قدم علم کرده که امروز عملاً توسط سرمایه داری و دولتهایش تداوم می یابد.

حزب کمونیست کارگری فرا رسیدن ۸ مارس روز جهانی زن را به همه زنان ایران و جهان تبریک میگوید و بازو در بازوی همه فعالین جنبش آزادی زن به استقبال این روز میرود و در بزرگداشت هرچه با شکوهرتر آن میکوشد.

زنده باد آزادی و برابری  
آزادی زن، آزادی جامعه

سرنگون باد  
جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری  
سوسیالیستی!

حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۱۶ بهمن ۱۳۹۷،  
۵ فوریه ۲۰۱۹

صف مقدم ایستاده اند. اکنون نه فقط جمهوری اسلامی و حجاب و زن ستیزی اش قدم به قدم به عقب رانده میشود بلکه شعار "آزادی زن، آزادی جامعه" که اول بار در تظاهرات ۸ مارس ۵۷ طرح شد به شعور سیاسی بخش های هرچه وسیعتری از جامعه تبدیل میشود. دیگر برهه مشهود است "انقلابی که در ایران شکل میگردد رنگی زنانه دارد".

امسال ۸ مارس روز جهانی زن، برابر با ۱۷ اسفند ۹۷، فرصتی است تا این چهل سال مبارزه قهرمانانه زنان علیه جمهوری اسلامی و نه به اسلام سیاسی را به اشکال گوناگون گرامی داشت؛ و از این فرصت استفاده کرد تا مبارزه برای رهایی جامعه از شر رژیم اسلامی و زن ستیز را گامی دیگر به جلو راند. ما همه مردم ایران را دعوت میکنیم تا روز جهانی زن را در اجتماعات و گردهمایی خود، در محیط کار و تحصیل، در خیابان و محله و در فضای مجازی و بیابانه ها و اعلامیه به گرمی جشن بگیرند و گرامی بدارند. این روزی است که باید حجاب ها را بر چوب کرد و زیر پا کوبید، روزی است که قوانین و مقررات و فرهنگ زن ستیز و ضد بشری جمهوری اسلامی را به چالش کشید و به تحقیر و نابرابری و خشونت جنسیتی اعتراض کرد. این روزی است تا اتحاد صفوف

جنبش رهایی زن از همان ابتدا قاطعانه علیه جمهوری اسلامی ایستاد و اکنون نیز در صف اول جنبش انقلابی مردم ایران علیه رژیم اسلامی و برای آزادی و برابری قرار دارد. از تظاهرات علیه حجاب در ۸ مارس ۷۹ (۱۷ اسفند ۵۷) تا ایفای نقش پیشتاز در تظاهرات های ۸۸، از شرکت فعال زنان در خیزش انقلابی دی ماه ۹۶ تا برچوب کردن حجاب - این رکن اقتدار و هویت رژیم اسلامی - توسط دختران خیابان انقلاب، و تا نقش برجسته زنان در اعتصابات و تظاهرات های اخیر کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و رانندگان کامیون و مالباختگان، همه و همه جلوه هایی از حضور قدرتمند زنان در مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و برای برپایی یک دنیای بهتر است. به هر عرصه زندگی و اعتراض اجتماعی که نگاه کنید، از محیط خانواده و مدرسه و دانشگاه تا تشکیل سازمانهای مردم نهاد علیه مصائب اجتماعی تا حمایت از حیوانات و جنبش حفظ محیط زیست، از موسیقی و فیلم و ادبیات تا ورزش و فعالیت های علمی، از نبرد هرروزه علیه حجاب در خیابانها تا مبارزه علیه جداسازی جنسیتی در دانشگاه و ورزشگاه، از اعتراض به زندان و اعدام و شکنجه گرفته تا مقابله با فرهنگ منحن مردسالار و ارتجاعی، در همه جا زنان در

## اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران باید آزاد شود

وکیل اسماعیل بخشی خبر داده است که این فعال کارگری هنگام ملاقات با خانواده اش از هوش رفته است و این باعث شده است که خانواده او احساس کنند که او را از دست داده اند. اسماعیل بخشی پس از آن بهوش آمده است. این خبرها و خبرهای دیگری که از وضعیت اسماعیل بخشی به بیرون درز میکند نشان میدهد که اسماعیل بخشی زیر فشار و شکنجه شدید قرار دارد. حکومت کثیف اسلامی با شکنجه اسماعیل بخشی میخواهد از کارگران هفت تپه و کل مردم سرنگونی طلب انتقام بگیرد و به کارگران ضرب شست نشان دهد. این تلاش و تقلایی مذبحخانه و محکوم به شکست است. کارگران و مردم ایران جمهوری اسلامی را حکومت زندان و شکنجه و جنایت میشناسند و به همین دلیل قاطعانه علیه آن ایستاده اند. کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و زنان مصممند خود را از شر مافیای منفور حاکم خلاص کنند. هیچ درجه از توحش و زندان و بربریت نمیتواند این فضای اعتراض و انقلاب و سرنگونی طلبی را عقب براند. اسماعیل بخشی و همه کارگران و معلمان زندانی در قلب مردم جای دارند. صدای آنها همه جا شنیده میشود. با شکنجه و زندانی کردن رهبران محبوب کارگران، حاکمین اسلامی تنها و تنها کارنامه خود را سنگین تر میکنند. راهی برای بقای این حکومت وجود ندارد. گناه اسماعیل بخشی اینست که علیه سرمایه داران حریص و مفتخور بیخاسته است و از خواستههای بحق کارگران و اداره شورایی و زندگی انسانی دفاع کرده است. گناه اسماعیل بخشی اینست که به زندگی زیر خط فقر و بیکاری و بی تامینی اعتراض کرده است. حاکمین منفور میدانند که این صدا در جامعه قدرتمند و گسترده است. این جنبش در جامعه همه گیر است. کارگر و بازنشسته و دانشجو و زن و مرد از اسماعیل بخشی و کارگران زندانی حمایت و پشتیبانی میکنند و اعلام میکنند که

حکومت سرمایه داران مفتخور و بی خاصیت و حریص، حکومت آخوند و اسلام و پاسدار و ارتجاع باید گورش را گم کند. هیچ تلاش و تقلا و قلدری و زورگویی ای نمیتواند حکومت بحران زده و منزوی و به سراشیب افتاده را از مرگ نجات دهد.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران و معلمان و دانشجویان و همه مردم را به اعتراض به زندانی کردن و شکنجه اسماعیل بخشی فرا میخواند. این صدا را باید قدرتمندتر کنیم و شکنجه گران را زیر فشار سنگین تری قرار دهیم. رفتار جنایتکارانه با اسماعیل بخشی را همه جا با صدای رسا محکوم کنیم. اسماعیل بخشی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.

**نابود باد جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی برابری  
حکومت کارگری**

**حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۵ اسفند ۹۷، ۲۴  
فوریه ۲۰۱۹**

## اعتراض به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی و اخباری دیگر از اعتراضات کارگری

متعدد برای تحت فشار قرار دادن اسماعیل بخشی به نوشتن تکذیبیه و عدم موفقیت در این کار در دور جدید فشارها به اسماعیل بخشی و خانواده اش، از او خواسته اند که که وکیلش خانم فرزانه زیلابی را برکنار نماید. هم اکنون کارزاری جهانی در حمایت از اسماعیل بخشی در جریان است. وسیعا به این کارزار بپیوندیم

- روز ۸ اسفند کارگران شهرداری بروجرد برای

متعدد برای تحت فشار قرار دادن اسماعیل بخشی به نوشتن تکذیبیه و عدم موفقیت در این کار در دور جدید فشارها به اسماعیل بخشی و خانواده اش، از او خواسته اند که که وکیلش خانم فرزانه زیلابی را برکنار نماید. هم اکنون کارزاری جهانی در حمایت از اسماعیل بخشی در جریان است. وسیعا به این کارزار بپیوندیم

- روز ۸ اسفند کارگران شهرداری بروجرد برای



## اعتراض به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی

امروز هفتم اسفند ماه بار دیگر خانواده و دوستان اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه بازداشت وی و وضعیت نگران کننده اش در زندان در حالیکه بنر "اسماعیل بخشی آزاد باید گردد" را در دست داشتند، در مقابل دادگستری شوش تجمع کردند و خواستار آزادی وی شدند. قبلا گزارش کردیم که اسماعیل بخشی در روز پنجم اسفند ماه در هنگام ملاقات خانواده اش از هوش رفت و این وضعیت موجب نگرانی خانواده و همگان شده است. گفتنی است سپیده قلیان خبرنگاری که در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شده بود و او نیز با شکنجه شدن بخشی را تأیید کرد اکنون زیر فشار قرار دارد و بنا بر آخرین خبرها علیرغم وضعیت بد جسمانی از اعزام وی به بیمارستان جلوگیری میکنند و کماکان تحت آزار و شکنجه

در سلول انفرادی محبوس است. حزب کمونیست کارگری همه مردم، خصوصا کارگران نیشکر هفت تپه و مردم شوش را به حمایت از اسماعیل بخشی و کیفرخواست او علیه شکنجه و زندان فرا میخواند.

جمهوری اسلامی با زندانی کردن و شکنجه اسماعیل بخشی نفرت و خشم همه کارگران و مردم علیه خود را تشدید میکند. جنبش شورایی و جنبش علیه یکه تازی سرمایه داران مفتخور که اسماعیل بخشی آنرا نمایندگی کرده با هیچ درجه توحش و زندان جمهوری اسلامی خاموش نخواهد شد.

**پیش بسوی اعتصابات  
سراسری کارگری  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۷ اسفند ۹۷،  
۲۶ فوریه ۲۰۱۹**

تبعیض، نابرابری و بساط چپاولگری سرمایه داری حاکم اعلام داشتند. بازنشستگان اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

- روز ۷ اسفند کارگران نیروگاه گل گهر سیرجان در اعتراض به نپرداختن ۵ ماه حقوق دست از کار کشیدند.

- روز ۷ اسفند کارکنان راه آهن تبریز در اعتراض به پرداخت نشدن چند ماه حقوق معوقه دست به اعتصاب زدند. در همبستگی با این اعتصاب کارگران راه آهن خراسان طی پیامی حمایت خود را اعلام کردند.

در بخشی از این پیام چنین آمده است: "به امید روزی که

عدالت در راه آهن محقق شود. از این بی عدالتی خسته شده ایم. حرکت اعتراضی شما امروز نشان دهنده حرکت تمامی پرسنل راه آهن بود."

- روز ۶ اسفند گروهی از کارگران مناطق ۸ و ۵ شهرداری اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و بیمه درمانی خود مقابل شورای شهر اهواز تجمع کردند.

**پیش بسوی اعتصابات  
سراسری کارگری  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۸ اسفند ۹۷، ۲۷  
فوریه ۲۰۱۹**

در بخشی از این پیام چنین آمده است: "به امید روزی که

## تجمع بزرگ بازنشستگان در مقابل مجلس اسلامی "فریاد بازنشسته نان رفاه آزادی"

همه، تحصیل رایگان برای تمام کودکان، رفع تبعیضها و اجرای قانون خدمات کشوری، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات است. در تجمع این روز جمعی از کارگران فولاد نیز شرکت داشتند و با دست نوشته هایی خواسته های خود را اعلام کردند.

در پایان تجمع امروز بعد از خواندن قطعنامه ای که خواسته های بازنشستگان را اعلام میکرد تجمع کنندگان با شعار "اگر جواب نگیریم دوباره بر میگردیم"، معلم کارگر دانشجوی زندانی آزاد باید گردد" پایان تجمع خود را اعلام کردند.

حزب کمونیست کارگری به همه بازنشستگان خسته نباشید میگوید و بر حمایت وسیع همه مردم از خواسته ها و مبارزات بازنشستگان تاکید میکند.

**پیش بسوی اعتصابات  
سراسری  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۵ اسفند ۱۳۹۷، ۲۴  
فوریه ۲۰۱۹**

بازنشستگان و همبستگی مبارزاتی بخش های مختلف جامعه تاکید کردند. یک تاکید مهم بازنشستگان تاکید بر حق تشکل و اعتراض بود. در آخر نیز بازنشستگان با شعار "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" بر ادامه و پیگیری خواسته هایشان تاکید کردند. علاوه بر شعارها، دست نوشته های بازنشستگان با همان مضامین شعارهایشان توجه ها را جلب میکرد. بازنشستگان با دست نوشته هایی چون "غارتگران صندوق های بازنشستگی افشا و اندوخته های ۳۰ ساله مان برگردانده شود!"، "طرح پارامتریک" تامین اجتماعی تعرض سرمایه علیه نیروی کار است، "تصویب بودجه ۹۸، تشدید و افزایش فلاکت عمومی" به اختلاسها و لحاظ نشدن افزایش حقوق بازنشستگان در برنامه بودجه دولت اعتراض خود را ابراز داشتند.

خواسته های مشخص بازنشستگان افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۶ تا ۷ میلیونی، درمان رایگان برای

مسئولین"، "فریاد بازنشسته نان رفاه آزادی"، "نیاز ما این زمان معیشت است و درمان"، "این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی"، "خط فقر شش میلیون حقوق ما یک میلیون"، "نوبخت حیا کن سازمان رو رها کن". با این شعارها بازنشستگان کل بساط دزدی و چپاول و فقر و فلاکت و سرکوب سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند.

بازنشستگان در این روز همچنین با شعارهای "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "معلم، کارگر، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "معلم، کارگر، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، اعتراض خود را به سرکوبگری های حکومت اعلام داشتند. در تجمع این روز بازنشستگان با شعارهای "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید"، "معلم کارگر دانشجو اتحاد اتحاد"، "کشوری لشگری تامین اجتماعی اتحاد اتحاد"، بر اتحاد بخش های مختلف

بودند به شیوه های مختلف از خواسته ها و اعتراضات بازنشستگان ابراز پشتیبانی و همراهی میکردند.

شعارهای بازنشستگان که توسط جمعیت در خیابانها فریاد زده میشد از جمله عبارت بودند از: "تا مشکلات حل نشه هر روز همین بساطه"، "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "دولت بی کفایت خجالت خجالت"، "بیمه های تکمیلی هزینه تحمیلی"، "بازنشسته بیدار است از تفرقه بیزار است"، "دزدی های عمومی فلاکت عمومی"، "تجمع تشکل اعتراض حق مسلم ماست"، "گرانی تورم بالای جان مردم"، "نه مجلس نه دولت نیستن به فکر ملت"، "فریاد فریاد از اینهمه بیداد"، "دولت خیانت می کند مجلس حمایت می کند"، "آموزش رایگان حق همه کودکان"، "وعده های پوشالی دیگر اثر ندارد"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، "وعده های دروغین برنامه

ساعت ده صبح امروز پنجم اسفند ماه بار دیگر شمار زیادی از بازنشستگان برای پیگیری خواسته هایشان مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند و با مشت های گره کرده شعار دادند. در این تجمع بخش های مختلف بازنشستگان از جمله معلمان بازنشسته، بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان فولاد و بازنشستگان وزارت بهداشت و دانشگاه های علوم پزشکی شرکت داشتند. فراخوان این تجمع از سوی گروه های "اتحاد سراسری بازنشستگان ایران"، "گروه ۱۹ اسفند"، "گروه پیشکسوتان پشنتاز حق طلب"، جمعی از گروه بازنشستگان تامین اجتماعی، "اتحاد کارگر و معلم"، "کارگروه تشکیل کانون بازنشستگان فلز کار مکانیک"، "شورای بازنشستگان ایران" و "کمپین پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری" داده شده بود. بازنشستگان پس از تجمع در برابر مجلس اسلامی به سوی سازمان برنامه و بودجه راهپیمایی کردند و حین راهپیمایی شعار میدادند. در مسیر راهپیمایی مردمی که شاهد این اعتراض

## گوشه دیگری از اعتراضات به نپرداختن دستمزدها

تجمع داشتند. - روز ۴ اسفند جمعی از معلمان حق التدریسی شهرستان البرز در استان قزوین، در اعتراض به پرداخت نشدن نزدیک به ۹ ماه حق التدریس و حق اضافه کاری خود دست به اعتصاب زدند.

**پیش بسوی اعتصابات  
سراسری کارگری  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۵ اسفند ۹۷، ۲۴  
فوریه ۲۰۱۹**

و نیز در اعتراض به خصوصی سازی این شرکت و خطر از دست دادن کار خود در هشتمین روز اعتراضاتشان مقابل استانداری تجمع کردند.

- روز ۴ اسفند کارگران آتش نشانی آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه حقوق در مقابل فرمانداری تجمع کردند. این کارگران قبل از این نیز در ۲۹ بهمن

به پرداختن نشدن شش ماه و نیم حقوق شان و پرداخت نشدن حق بیمه دی ماه سال ۹۶ و دی ماه ۹۷ و تمدید نکردن دفترچه درمانی و اجرایی نشدن طرح طبقه بندی مشاغل دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

- روز ۴ اسفند کارگران کارخانه روغن نباتی جهان در زنجان، در اعتراض به ۸ ماه معوقات مزدی و بیمه ای خود

مفتخوران حریص و زالو صفتی هستند که برای ثروت اندوزی از هیچ دزدی و جنایتی ابا ندارند. دست دزدان سرمایه دار را باید از سر جامعه تماما کوتاه کرد. اخبار دیگری از اعتراضات به نپرداختن دستمزدها و حقوقهای کارگران را ملاحظه میکنید:  
- روز ۵ اسفند کارگران شهرداری شادگان در اعتراض

**اعتراضات کارگران  
شهرداری شادگان،  
آتش نشانی آبادان،  
روغن نباتی جهان و  
معلمان حق  
التدریس**

نپرداختن دستمزدهای زیر خط فقر کارگران یک جنایت آشکار در حق کارگران و خانواده های کارگری است. سرمایه داران از دست اندرکاران بخش دولتی گرفته تا کارفرمایان بخش خصوصی،



### حسن صالحی

جای هیچ شکی نیست که علم و دانش در تکامل و ترقی جوامع بشری نقش مهمی داشته است. ما کمونیستها همواره بعنوان مدافعین علم و دانش در مقابل جهل و خرافه معتقد بوده و هستیم که علم و دانش می تواند در جهت رفاه و سعادت جوامع بشری نقش بسزایی داشته باشد. اما متاسفانه در جامعه سرمایه داری بسته به اینکه انحصار علم و دانش در دست چه کسی باشد، پیشرفتهای علمی نتایج متفاوتی را به همراه می آورد.

ظاهرا کسانی که از سوی رضا پهلوی در پروژه ققنوس جمع شده اند می خواهند جوابگوی معضلات جامعه ایران در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی باشند و شاید با راه حلهایی هم که امروز پیشنهاد می کنند خیرشان به جمهوری اسلامی برسد. اما علم این حضرات قرار است در کدام حوزه ها به کار آید؟ در این رابطه به اقتصاد، امور اجتماعی، مشکلات زیست محیطی و بهداشت و غیره اشاره شده است. اجازه دهید به همین چند مورد اشاره ای داشته باشیم.

### پرده برداری از پروژه ققنوس

پاسخ رضا پهلوی و همراهان "دانشمندش" به اقتصاد درب و داغان ایران چیست؟ نباید منتظر اکسیر عجیب و غریب برای حل این مشکلات از جانب نیروهای راست بود. چرا که آنها نمیخواهند بردگی مزدی بر بیفتد. آنها مدافع اقتصاد باز آزاد، خصوصی سازی، آزاد سازی قیمت ها، ریاضت کشی اقتصادی برای راضی کردن نهاد مالی جهانی و غیره هستند. معنای همه اینها چیست؟ افزایش فاصله فقر و ثروت، کشیدن تسمه از گردن کارگر برای کار بیشتر و تداوم بی حقوقی اقتصادی اکثریت شهروندان جامعه. آیا این اقتصادی است که ما می خواهیم. طبعاً نه! ما اقتصادی می خواهیم که در آن برابری اقتصادی حاکم باشد. یعنی اینکه شهروندان در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی برابر باشند. یعنی اینطور نباشد که یه عده کار کنند و عده قلیلی از نتیجه زحمات آنها پول جارو کنند و به "شاهی" برسند. برابری اقتصادی شدنی نیست مگر اینکه بردگی مزدی لغو شود و وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی قرار گیرد. این اساس اقتصاد ماست که با اقتصاد ققنوسی زمین تا

نظام سرمایه داری نیست که در پی کسب سود، جان و شیره طبیعت را می مکد بلکه بسیاری از تغییرات خارج از دخالت انسان اتفاق می افتند!! نظر دانشمندان رضا پهلوی در این مورد چیست؟ آیا آنها حاضرند همه اقدامات و برنامه هایی که بخاطر منافع سودجویانه سرمایه داران منجر به تخریب و یا آلودگی محیط زیست می شود را فوراً متوقف سازند و غیرمجاز اعلام دارند؟

در مورد حقوق اجتماعی و مدنی شهروندان چگونه؟ آیا دانشمندان جمع شده در ققنوس قرار است قانونی را پیشنهاد کنند که واقعا متضمن آزادی شهروندان باشد؟ نه به هیچ وجه. به خاطر اینکه وقتی آنها از سیستمی دفاع می کنند که اکثریت جامعه در آن برده وار کار می کنند و اقلیتی هم در ناز و نعمت زندگی می کنند، آنوقت قانونی را می آورند که از منافع آن اقلیت استثمارگر دفاع کند. یعنی شما آزادی به شرط اینکه منافع سرمایه دار به خطر نیاندازید. شما آزادی به شرط اینکه به مقدسات ملی ( به جای مقدسات اسلامی فعلی) بد نگوئید. شما اراده ای در تعیین سرنوشت خود ندارید بلکه "نخبگان" با کمک سازمان امنیت و ارتش و پلیس و آژان به اسم و علیه شما تصمیم می گیرند. این جماعت بطور قطع زیر بغل

مذهبی که در چهار دهه اخیر دمار از روزگار ما در آورده است، هندوانه ای هم می گذارند تا بالانس "خدا، شاه و مهین" حفظ شود. و حتما در برابر دفاع از "تمامیت ارضی" به این نتیجه خواهند رسید که ارتشیان "چکمه ها را از پای در نیاورند تا زمانیکه غائله کردستان را خاموش نکرده اند". در مورد زنان هم شکی نداشته باشید در مقابل "زیاده خواهی" زنان دست به انبان "تجابت زنان پارسی" و "فرمانبردار" خواهند برد تا آنها را به لحاظ ایدئولوژیک منکوب کنند.

ققنوس قرار نیست تخم دو زرده ای بگذارد. نتایج پروژه ققنوس از پیش روشن است. ققنوس به طبقه سرمایه دار ایران و سرمایه داری جهانی می خواهد بگوید که اگر جمهوری اسلامی بیفتد، نگران نباشید، ما هستیم و از منافع طبقه شما محافظت خواهیم کرد. ما هم به اینها می گوئیم خیالتان تخت ! ما هم اجازه نخواهیم که از این خوابها برای جامعه ایران بینید. جامعه ایران پس از سالها تجربه اسلامیت و ناسیونالیسم به چیزی کمتر از آزادی قطعی و گسترده، به چیزی کمتر از لغو کارمزدی، به چیزی کمتر از مناسبات انسانی و خارج از تبعیض و ستم، به چیزی کمتر از برابری همه شهروندان در حوزه سیاسی و اقتصادی رضایت نخواهد داد.\*

## رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و منابع و امکانات کافی برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد

میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب

بلافاصله بهداشت و درمان و آموزش و پرورش و آب و برق و گاز را برای همه جامعه رایگان کرد. با

عامل فقر جمهوری اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانتخواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان

## اعتراض به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی و اخباری دیگر از اعتراضات کارگری

- در ادامه اعتراض به دستگیری اسماعیل بخشی روز ۸ اسفند ماه خانواده و شماری از دوستان او در برابر استانداری شوش تجمع کردند. تجمع کنندگان بنرهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود "اسماعیل بخشی آزاد باید گردد". وضعیت فیزیکی اسماعیل بخشی در زندان باعث نگرانی شدید خانواده او و کارگران و مردم است. مقامات امنیتی در پی اقدامات متعدد برای تحت فشار قرار دادن اسماعیل بخشی به نوشتن تکذیبیه و عدم موفقیت در این کار در دور جدید فشارها به اسماعیل بخشی و خانواده اش، از او خواسته اند که که وکیلش خانم فرزانه زیلایی را برکنار نماید. هم اکنون کارزاری جهانی در حمایت از اسماعیل بخشی در جریان است. وسیعا به این کارزار پیوندیم

- روز ۸ اسفند کارگران شهرداری بروجرد برای سومین روز در اعتراض به تعویق پرداخت ۸ ماه مزد مقابل شهرداری تجمع کردند.

- در ادامه اعتراضات بازنشستگان روز ۷ اسفند جمعیتی از بازنشستگان کشوری و لشگری در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. در این روز بازنشستگان بار دیگر با شعار "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، اعتراض خود را به فقر، تبعیض، نابرابری و بساط

چپاولگری سرمایه داری حاکم اعلام داشتند. بازنشستگان اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

- روز ۷ اسفند کارگران نیروگاه گل گهر سیرجان در اعتراض به نپرداختن ۵ ماه حقوق دست از کار کشیدند.

- روز ۷ اسفند کارکنان راه آهن تبریز در اعتراض به پرداخت نشدن چند ماه حقوق معوقه دست به اعتصاب زدند. در همبستگی با این اعتصاب کارگران راه آهن خراسان طی پیامی حمایت خود را اعلام کردند. در بخشی از این پیام چنین آمده است: "به امید روزی که عدالت در راه آهن محقق شود. از این بی عدالتی خسته شده ایم. حرکت اعتراضی شما امروز نشان دهنده حرکت تمامی پرسنل راه آهن بود."

- روز ۶ اسفند گروهی از کارگران مناطق ۸ و ۵ شهرداری اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و بیمه درمانی خود مقابل شورای شهر اهواز تجمع کردند.

پیش بسوی اعتصابات  
سراسری کارگری

حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۸ اسفند ۹۷،  
۲۷ فوریه ۲۰۱۹

## فراخوان معلمان به اعتصاب و تحصن در مدارس

قوت آنهاست. معلمان در مبارزاتشان الگوهای خوبی از اعتصاب سراسری بدست داده اند. از جمله تحصن های مهر ماه و آبانماه آنان که شهرهای بسیاری را در بر گرفت و خواسته های معلمان بر روی دست نوشته هایشان، حرکت موثری بود که میخ خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان را در راس خواسته های کل جامعه کوئید. به این اعتبار معلمان نقش مهمی در جلو آوردن خواسته های سراسری کل جامعه و در اعتراض به فقر، تبعیض، نابرابری و به چالش کشیدن کل بساط سرکوب و توحش سرمایه داری حاکم داشته اند. حزب کمونیست کارگری همه مردم، خصوصا خانواده های دانش آموزان و دانشجویان را به حمایت همه جانبه از تحصن سه روزه ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند ماه معلمان فر میخواند.

پیش بسوی اعتصابات  
سراسری کارگری  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۷ اسفند ۹۷،  
۲۶ فوریه ۲۰۱۹

و پاسخگو برای فرهنگیان شاغل و بازنشسته، و توقف سیاست پولی سازی مدارس. لغو مدارس خصوصی، تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان و امن سازی مدارس از خواسته های مهم معلمان است که همواره بر روی بنرهای اعتراضی آنها و بیانیه ها و قطعنامه هایشان مورد تاکید بوده است. یک خواست دیگر معلمان پایان دادن به امنیتی کردن مبارزاتشان است و در همین راستاست که امروز خواست آزادی معلمان زندانی در راس مطالباتشان قرار دارد. در حال حاضر اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی، روح الله مردانی و محمد علی زحمتکش از جمله معلمان زندانی هستند. ضمن اینکه شماری از معلمان در شهرهای مختلف به خاطر اعتراضاتشان بارها دستگیر شده و برای آنها پرونده های قضایی تشکیل شده است. لغو این پرونده ها و این پیگردها یک مطالبه مهم معلمان است.

اشکال سازمانیافته  
مبارزات معلمان و پیگیری مطالباتشان، بیان شفاف و روشن خواسته ها از جمله نقاط

"شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" در بیانیه ای به معلمان فراخوان داده است که در روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند در سراسر کشور دست به اعتصاب و تحصن بزنند. این فراخوان در ادامه اعتراضات قبلی معلمان در شهرهای مختلف و پاسخ نگرفتن خواسته هاییشان صورت میگیرد. در راس خواسته هایی که در بیانیه مورد تاکید قرار گرفته، آزادی معلمان زندانی و فعالیت رسمی و آزاد تشکلهای معلمان قرار دارد. معلمان در سراسر ایران به دستگیریها و نداشتن حق تشکل مستقل اعتراض دارند. دیگر خواسته های معلمان که در بیانیه مزبور مورد تاکید قرار گرفته عبارتند از رفع مشکلات عدیده مدارس با اختصاص بودجه کافی، ترمیم اساسی حقوق فرهنگیان و پرداخت تمام معوقات آنها اعم از مطالبات معلمان خرید خدمت، حق التدریسی و ...، همسان سازی حقوق بازنشستگان فرهنگی با شاغلان و ارتقای آن به بالاتر از حد خط فقر، لغو قرارداد با بیمه ناکارآمد تکمیلی فعلی و جایگزینی آن با بیمه ای کارآ

**KANAL JADID**  
**کانال جدید**

**فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید**  
**ماهواره یاه ست**  
**فرکانس : 12073**  
**پولاریزاسیون : عمودی**  
**سیمبل ریت : 27500**  
**اف ای سی : 7/8**

به حزب کمونیست کارگری  
کمک مالی کنید

## ۴۰ سال مبارزه قهرمانانه زنان علیه جمهوری اسلامی زنده و گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!

همچنان سمبل آزادیخواهی زنان هستند! روز فریاد برابری طلبی کل جامعه و اعتراض علیه قوانین و مقررات تحقیرآمیز ضد زن است!

روز جهانی زن را با اتکا به دستاوردهای عظیم جنبش آزادی زنان، در هر کجا باید با برگزاری اجتماعات و گردهماییها رزمنده و متحد جشن گرفت و گرامی داشت.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با گرامی داشت ۸ مارس روز جهانی زن، همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب را به دفاع از حق زن، علیه تبعیض و نابرابری و ستم جنسی فرا میخواند! با گل و شیرینی به دیدار زندانیان سیاسی بروید! خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان بشوید!

تا آزادی زن از قید مقررات و قوانین ارتجاعی اسلامی راهی نمانده است! خورشید رهایی زنان از پشت میله‌های زندان طلوع کرده است!

**کمیته مبارزه برای آزادی  
زندانیان سیاسی  
۸ اسفند ۱۳۹۷  
۲۷ فوریه ۲۰۱۹**

تاریخ مبارزات زنان در مقابل ارتجاع هار اسلامی یکی از حماسی‌ترین فرازهای رزمندگی قهرمانانه جنبش زنان علیه نابرابری و تبعیض و بردگی جنسی در کل جهان است! تاریخی خونبار که درفش آزادی زن را آبیاری کرده است! تحمل هزینه‌ای سنگین در نبرد بی‌امان، از پستوی پنهان خانه تا کوچه و خیابان، کارگاه و کارخانه، در مدرسه و دانشگاه، بر سکوهای میدان انقلاب، در تجمعات و راهپیماییها و اعتصابات، در زندان و سلولهای شکنجه تا طناب دار، با فریاد تا حق خود نگیریم از پانمی‌نشینیم!

جنبش برابری طلبی و آزادیخواهی زنان بر قله مرتفع مبارزات مردم ایران علیه حکومت اسلامی جای دارد! روز جهانی زن روز نمایش قدرتمند و پر صلابت اراده زنان برای رهایی از شر جمهوری اسلامی است. روز بر چوب کردن و لگدکوب کردن حجاب! این سمبل به زنجیر کشیدن زنان! روز فریاد رزمنده و رسای صدها زن زندانی که دلیرانه و استوار در زندانهای جمهوری اسلامی

جهان متمدن جمهوری اسلامی را به دلیل رفتار فوق‌خشن با مخالفین سیاسی، سرکوب وحشیانه آزادی‌های اجتماعی به خوبی می‌شناسد! اما در میان همه جنایات بی‌شمار حکومت اسلامی، زن ستیزی هیستریک، عداوت بی‌بدیل در تحمیل قوانین فوق‌ارتجاعی ضد زن از همه مشخص‌تر و عیان‌تر است!

یک رکن اساسی هویت حکومت اسلامی در ایران، زن ستیزی قهرآمیز آن در همه شئون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است! جمهوری اسلامی هر آنچه در توان داشته، در این خصومت نهادینه شده، علیه حقوق زنان به کار بسته است!

جنبش اعتراضی زنان پا به پای این سرکوب بی‌امان، قهرمانانه جنگیده است و بر همه بنیادهای تحقیر و نابرابری و خشونت جنسیتی ضد زن حکومت اسلامی شوریده است! نبرد و جدالی نابرابر و پایان ناپذیر به قدمت عمر پر نکبت جمهوری اسلامی، که سپر به سپر آنرا به عقب رانده است!

وضعیت اسماعیل بخشی بسیار خطرناک و اضطراری است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از تمامی نهادها و سازمان‌های کارگری در سطح جهان خواستار اقدامی اضطراری در حمایت از اسماعیل بخشی و همچنین سپیده قلیان است. کمپین از تمامی نهادهای بین‌المللی کارگری میخواهد که به هر شکل که میتوانند اقدام کنند و

وضعیت اسماعیل بخشی بسیار خطرناک و اضطراری است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از تمامی نهادها و سازمان‌های کارگری میخواهد که به هر شکل که میتوانند اقدام کنند و

## به اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان

**FREE THEM NOW**



**FREE IRANIAN LABOUR  
ACTIVISTS NOW!**

Campaign to Free Jailed Workers in Iran

وضعیت اسماعیل بخشی اضطراری است بنا بر خبر منتشر شده از سوی فرزانه زیلابی وکیل اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه، امروز پنجم اسفند ماه در هنگام ملاقات خانواده اش از هوش رفت. طبق اظهارات خانواده بخشی آنها در این روز برای لحظاتی مرگ فرزندشان را جلوی چشم خود دیدند. این خبر نکندهنده حاکی از شکنجه های وحشیانه رژیم اسلامی در زندان علیه اسماعیل بخشی و همراه با او خانواده اش است که مدتها در بیخبری بوده اند ووقتی هم دیداری میکنند، عزیز خود را در چنین حالی می بینند. بنا بر این خبر هم اکنون جان اسماعیل بخشی در خطر است و نیاز به اقدامی اضطراری است. رژیم اسلامی با ادامه بازداشت اسماعیل بخشی و شکنجه او، دارد انتقامش را از اعتراضات قدرتمند کارگران هفت تپه که انعکاسی جهانی پیدا کرد و اسماعیل بخشی نقش درخشانی در آن داشت، میگیرد. امروز مردم ایران اسماعیل بخشی را با گفتمان های آزادیخواهانه، برابری طلبانه و اداره شورایی می شناسند.

اسماعیل بخشی که جمهوری اسلامی آنها را زیر فشار و شکنجه قرار داده است که ادعایشان در مورد شکنجه را پس بگیرند. اسماعیل بخشی با گفتمان های آزادیخواهی و برابری طلبی و اداره شورایی به عنوان تنها راه نجات جامعه از این بساط اختلاس ها و دزدی ها در قلب مردم ایران جا دارد. اسماعیل بخشی بخاطر این مبارزات

**کارگر  
زندانی،  
زندانی  
سیاسی،  
آزاد باید  
گردد!**

اطلاعیه مشترک بمناسبت ۸ مارس

## گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

روند سوسیالیستی کومه‌له  
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
کمیته کردستان حزب حکمتیست  
کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

نارضایتی زنان قرار گرفته است. با توجه به سابقه مبارزات زنان و سنت‌های رادیکال مبارزاتی در کردستان امکان آن وجود دارد که جنبش زنان برای آزادی و رهایی روند رو به گسترش به خود ببیند و در این مسیر کردستان به یکی از سنگرهای مهم مبارزه زنان علیه رژیم اسلامی و قوانین ضد زن آن تبدیل شود.

در جهت تقویت و گسترش این مهم جا دارد امسال به مناسب ۸ مارس روز جهانی زن، تجمعات وسیع و عمومی را علیه تبعیض و نابرابری برپا کنیم، خواست رفع هر نوع تبعیض علیه زنان را به یک خواست عمومی تبدیل و علیه حجاب اجباری و سنت‌های مذهبی و مردسالارانه در جامعه مبارزه کنیم. در عین حال تلاش کنیم پیوند مبارزه زنان در ایران و کردستان را با مبارزه طبقه کارگر و سایر جنبش‌های رادیکال اجتماعی تقویت کنیم. علاوه بر این لازم است علیه جنایت و قتل زنان تحت عنوان ناموس پرستی و یا هر عنوان دیگر بایستیم. آزادی زن معیار آزادی جامعه است، برای تحقق آن بکوشیم!

زنده باد ۸ مارس

روز جهانی زن!

زنده باد سوسیالیسم!!

۷ اسفند ۱۳۹۷

پذیریم! جامعه ای برابر و انسانی حق ماست و آنرا با دستهای خویش برپا میداریم!

زنده باد ۸ مارس روز

جهانی زن!

عرصه مبارزه نظامی نیز شدند، برگ‌های درخشانی از شجاعت و حماسه را ثبت، و عملاً پوچی و بی پایه بودن نابرابری بین و زن مرد را جلو چشم همگان به نمایش گذاشتند. در عین حال زنان در عرصه‌های کار حزبی و تشکیلاتی، ایجاد تشکل‌های زنان در شهرها و روستاها، فعالیت در عرصه کارهای مدنی از نوع تشکل کودکان، برگزاری مناسبت‌های

۸ مارس، روز جهانی کارگر و تمام عرصه‌های فعالیت سیاسی و مبارزاتی پیش قدم و پیشرو بوده‌اند. واقعیت این است که حضور برجسته زنان در عرصه مبارزه نقش برجسته‌ای در پویایی مبارزه مردم کردستان داشته است. مبارزه‌ای که بدون تردید در غیاب حضور زنان نمی توانست به این درجه از پویایی، رادیکالیسم و مقاومت منجر شود.

امروز بر همگان روشن است که رژیم اسلامی بیشتر از هر زمان دیگری هدف اعتراض و نارضایتی عمومی جامعه و بخصوص اعتراض و

جسورانه زنان برای زیر پا گذاشتن و لغو عملی قوانین اسلامی در کف خیابان، محل کار، مدرسه، اداره، ورزشگاه و ... نور آمیدی را در جامعه گسترانده است. امروز دیگر همه انسان‌های آزادیخواه و برابری طلب با جانبداری و احترام به امر مبارزه برای آزادی زن در جامعه نگاه می کنند و اذعان دارند که رهایی جامعه در گرو آزادی زنان است.

در کردستان مبارزه زنان برای آزادی و برابری به بخشی جدایی ناپذیر از مبارزه و مقاومت کل جامعه علیه رژیم اسلامی و قوانین ضد زن آن تبدیل شده است.

از همان روزهای اول سرکار آمدن رژیم اسلامی و شروع مقاومت مردم کردستان در مقابل حمله وحشیانه این رژیم به کردستان، زنان ضمن حضور برجسته در جمعیت‌ها و نهادهای توده‌ای، مبارزه طبقاتی، مبارزه برای رفع ستم ملی و مبارزه برای آزادی‌های اجتماعی پا پهای مردان وارد

ضد زن، حمله به تمام حقوق فردی و اجتماعی زنان و راه انداختن دسته‌جات حزب الله و اسید پاش، نه تنها نتوانسته است مبارزه زنان را سرکوب کند بلکه این مبارزه روز به روز گسترش یافته و پویا تر شده‌است. از این رو مقابله با این سمبل عقب افتاده‌ی ارتجاع و سایر سیاست‌های ضد زن رژیم اسلامی سابقه‌ای به اندازه عمر این رژیم دارد.

تاریخ ۴۰ ساله حاکمیت ننگین رژیم اسلامی مملو است از مبارزه و مقاومت زنان در تمامی عرصه‌ها علیه رژیم اسلامی و قوانین ضد انسانی آن. در طول این ۴۰ سال کمتر اعتراض و مبارزه اجتماعی را می تواند یافت که در آن زنان نقش نداشته باشند. بر این اساس است که رژیم اسلامی همواره جنبش زنان برای رهایی و برابری را بعنوان یکی از خطرات جدی علیه موجودیت خود می شناسد.

در شرایط متحول کنونی ایران، بخصوص در یکسال گذشته، نقش پیشرو و

امسال در حالی به استقبال روز جهانی زن می رویم که موج انزجار و اعتراض علیه رژیم ضد زن اسلامی سرپای جامعه ایران را فرا گرفته است و می رود تا تکلیف این رژیم را یکسره کند. موج انزجار و اعتراضی که زنان نقشی برجسته در آن ایفا می کنند و هر روز سیاست‌های زنستیز این رژیم را در همه عرصه‌های زندگی به چالش می کشند.

ضدیت با زن و حقوق بدیهی آن یکی از ارکان حاکمیت رژیم اسلامی در ایران است. از همان روزهای سر کار آمدن این رژیم قوانین ارتجعی و قرون وسطایی بر تمام شئون زندگی زنان سایه شوم خود را گسترانده مرتجعین تازه به قدرت رسیده در همان روزهای بعد از قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ خوبی می دانستند که برای عقب راندن انقلاب و شکست کامل آن لازم است ابتدا زنان را، که یکی از پایه‌های مهم انقلاب بودند، خانه‌نشین کرده و قوانین ارتجعی اسلامی را بر زندگی‌اشان حاکم کنند.

اما فرمان جنایتکارانه خمینی برای حجاب بر سر کردن زنان در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ با موج اعتراض و بیزاری توده وسیعی از زنان، در تظاهرات‌های باشکوه در تهران و شهرهای دیگر روبرو شد. رژیم اسلامی از آن زمان تاکنون، علیرغم وضع قوانین

## دیگر نمی پذیریم!

نمی‌توانند زن را چون انسان ببینند باید فکری بحال خود بکنند. ما زنان، ما انسانهای آزاده، ما مردم دیگر یک ذره تبعیض و تحقیر را نمی

میشوریم! ما انقلاب میکنیم! ما خرافه و جهل و سنتهای مذهبی ضد زن را تماما به زباله دان میریزیم! آن نیروها و مغزهای کپک زده ای که

جای جهان! دیگر نمی پذیریم که افکار و سنتهای پوسیده و منفور تاریخ قبایل را بعنوان قانون و حقوق و شئون امروز به ما تحمیل کنند. ما

مارس روز اعلام رهایی قطعی زنان از تبعیض و بردگی جنسی است. زن و مرد با هم برابرند! در خانه، در خانواده، در آشپزخانه، در جامعه، در حقوق، در پوشش، در سفر، در نگهداری از کودکان، در سکس، و در همه



**\* دیدار با کمیته همبستگی بین المللی فدراسیون معلمان در بریتیش کلمبیای ونکور در کانادا در ارتباط با معلمان و کارگران زندانی \* نمایش فیلمی از گوشه هایی از اعتراض کارگران و زنان در ایران در این نشست**



دختران انقلاب با برداشتن حجاب ها به عنوان شکلی از اعتراض اجتماعی مردم علیه حکومت آپارتاید جنسی در ایران صحبت کرد. گزارشات مسعود ارژنگ و تهمنه صادقی به این جلسه همراه با دو کلیپ تصویری تحت عناوین تصویری از ۴۰ سال اعتراض کارگری و ۴۰ سال از اعتراضات جنبش راهی زن در ایران ارائه شد. این گزارشات با استقبال کمیته همبستگی بین المللی معلمان بریتیش کلمبیا در کانادا روبرو شد و آنها مراتب همبستگی خود را با معلمان زندانی، زنان معترض و کارگران زندانی در ایران اعلام داشتند.

**کمیته برای آزادی کارگران زندانی**  
**Shahla.daneshfar2@g**  
**mail.com**  
**http://free-them-**  
**now.com**

**Shahla.daneshfar2@gm**  
**ail.com**  
**http://free-them-**  
**now.com**  
**۶ اسفند ۱۳۹۷، ۲۵**  
**فوریه ۲۰۱۹**

کمیته همبستگی بین المللی فدراسیون معلمان در کانادا داده شد. در این توضیحات بعلاوه از موج جدید سرکوبگری های حکومت اسلامی از جمله دستگیری مجدد اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه و سپیده قلیان خبرنگاری که در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شده بود و کیفرخواست آنان علیه شکنجه و زندان و نیز دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی از رهبران اتحادیه آزاد و شمار بسیاری دیگر از فعالین اجتماعی که اخیرا بازداشت شده اند صحبت شد.

در بخش دیگر این نشست با توجه به نزدیکی هشت مارس روز جهانی زن تهمنه صادقی در مورد وضعیت زنان و مبارزاتشان در ایران و به میدان آمدن

پروین محمدی، بهنام ابراهیم زاده، معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

**کمیته برای آزادی کارگران زندانی**

روز ششم اسفند برابر با ۲۵ فوریه مسعود ارژنگ و تهمنه صادقی از اعضای کمیته برای آزادی کارگران زندانی در ونکور در رابطه با وضعیت معلمان بازداشتی در ایران و تهدیدات هر روزه رژیم اسلامی بر روی معلمان معترض بخاطر مبارزاتشان با اعضای کمیته همبستگی بین المللی فدراسیون معلمان در بریتیش کلمبیای کانادا دیداری داشتند. در این دیدار اطلاعیه های خبری کمپین در اختیار این کمیته قرار گرفت. در این نامه ها توضیحات مسوطی در مورد معلمان زندانی از جمله اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی، روح الله مردانی و محمد علی زحمتکش و احکام آنها و تشدید فشار بر روی معلمان معترض بخاطر مبارزاتشان داده شده و درخواست مهم آزادی فوری معلمان زندانی و تمامی معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و لغو احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان معترض و تمامی فعالین اجتماعی تاکید شده بود. در همین راستا توضیحات تکمیلی و مفصلی از سوی مسعود ارژنگ و تهمنه صادقی به اعضای

اسلامی بر سرکوبگریهایش شدت داده است و اسماعیل بخشی را در بازداشت نگاهداشته است. اعتراض و اعتصابات سراسری تنها پاسخ به این سرکوبگری هاست. اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده،

**تجمع اعتراضی در مقابل دادگستری شوش در حمایت از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان**



از شکنجه های درون زندان و حمایت سپیده قلیان از کیفرخواست او و سخن گفتن از شکنجه هایی که بر خود او گذشته است، جنبش دادخواهی جلو آمد و اعتراضی اجتماعی علیه شکنجه و زندان در سطح جامعه به راه افتاد، در هراس از پیشروی این جنبش است که رژیم اسلامی فشارهایش را بر اسماعیل بخشی و قلیان شدت داده است. جان اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در خطر است، در حمایت از آنان در برابر بساط شکنجه و زندان حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی بایستیم.

خانواده اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را تنها نگذاریم و در کنارشان بایستیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان شویم. اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران است و در قلب مردم جا دارد. او برای مردم سمبلی از آزادیخواهی و برابری طلبی و مدافع حقوق کارگر است. او با بلند کردن پرچم اداره شورایی در مقابل همه کارگران و همه مردم راه نشان داد. زیر فشار چینی جنبشی و فضای پر تلاطم جامعه است که جمهوری

- روز ۶ اسفند خانواده اسماعیل بخشی و تعدادی از دوستان وی و خانواده سپیده قلیان در اعتراض به ادامه بازداشت عزیزانشان مقابل دادگستری شوش تجمع کردند. اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه و سپیده قلیان خبرنگاری که در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شده بود، در سی ام دی ماه مجدداً بازداشت و همچنان در زندان بسر میبرند و بنا بر خبر ها جمهوری اسلامی آنها را زیر فشار قرار داده است که شکایت خود مبنی بر شکنجه شدنشان در زندان را پس بگیرند. بخاطر همین شکنجه ها در روز گذشته اسماعیل بخشی هنگام ملاقات با خانواده از هوش رفت. جان اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در خطر است در کنار خانواده هایشان بایستیم و از آنها وسیعاً حمایت کنیم.

اکنون چند روزی است که خانواده بخشی همراه با تعدادی از کارگران در مقابل دادگستری تجمع کرده و خواستار آزادی وی هستند. امروز خانواده قلیان نیز در تجمع شرکت داشتند. با شکایت اسماعیل بخشی

# آدرس های تماس با حزب کمونیست کارگری:



سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

فیسبوک: [www.facebook.com/wpiran](https://www.facebook.com/wpiran)

تلگرام: [https://telegram.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

## کمیته سازمانده حزب

تلفن، واتس آپ و ایمو:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ایمیل: [tamas.wpi@gmail.com](mailto:tamas.wpi@gmail.com)

تلگرام - ادمین: @sazmande

سایت: [www.sazmandeh-wpi.com](http://www.sazmandeh-wpi.com)

## تلویزیون کانال جدید

<http://newchannel.tv>

ایمیل: [nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

تلگرام - ادمین: @kanaljadid

پیامگیر: 0013108569897

## کمیته کردستان حزب

سایت: [www.iskraa.net](http://www.iskraa.net)

تلگرام:

<https://t.me/komitekordestan>

ایمیل:

[nasan.nodinian@gmail.com](mailto:nasan.nodinian@gmail.com)

فیسبوک

[www.facebook.com/komite.kurdistan.wpi](http://www.facebook.com/komite.kurdistan.wpi)

## دفتر مرکزی حزب

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

ایمیل: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

## کمیته خارج کشور حزب

ایمیل: [komitexarej@gmail.com](mailto:komitexarej@gmail.com)

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۳۹۶۵۹۴

## سازمان جوانان کمونیست

کانال تلگرام:

[https://telegram.me/jk\\_org/](https://telegram.me/jk_org/)

اینستاگرام:

<http://instagram.com/javanan.komonist>

فیسبوک:

فیسبوک:

<https://www.facebook.com/cyo.sjk>

یوتیوب:

<https://www.youtube.com/user/sjkiran1>

## کمیته آذربایجان حزب

ایمیل:

[komiteazarbaijan76@gmail.com](mailto:komiteazarbaijan76@gmail.com)

فیس بوک:

[facebook.com/sahandazadiwpi](https://facebook.com/sahandazadiwpi)

کانال تلگرام: @KSahand

## کانال تلگرام انجمن مارکس:

<https://telegram.me/anjomanmarx>